

سومین سفر گالیندوپول به ایران

بته از صفحه اول

متحد ببرد. رژیم جمهوری اسلامی از طرح مسئله در مجمع عمومی و تصویب قطعنامه در محکومیت آن واصله داشت. بهمین خاطر در چند ماه اخیر به تلاش های زیادی دست یازید تا مانع این کار گردد. تلاش های رژیم موجب شد که آمریکا با درخواست عدهای از کشورهای اروپایی مبنی بر دادن فرصت بیشتر به رژیم حاکم جهت بهبود وضع حقوق بشر موافقت نماید.

بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه ایران مدعی شد که "هیچکس در کشور ما به خاطر اعتقادات خود تحت تعقیب قرار نمی گیرد و احترام و ارزشی که جمهوری اسلامی برای حفظ حقوق انسانها قائل است در بیشتر کشورهای دنیا وجود ندارد و علت انتقاد کمیسیون حقوق بشر از نظام ما اینست که همه آزادیها در جمهوری اسلامی رعایت می شود این است که ما با سیاستهای غرب مخالف هستیم" او می گوید: "جمهوری اسلامی برای نشان دادن حسن نیت خود با نماینده کمیسیون حقوق بشر همکاری لازم را داشته و موافقت کرده که کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز از زندانهای تهران دیدن کند

این سومین سفر گالیندوپول به ایران است. اولین دیدار وی در ژانویه ۱۹۹۰ صورت گرفت. گالیندوپول از سفر خود یک گزارش ۷ صفحه ای تهیه نموده که در آن به بطور ناقص و محدود به نقض حقوق بشر اشاره شده بود. بهمین خاطر مورد انتقاد نیروهای اپوزیسیون قرار گرفت. دومین سفر گالیندوپول در ماه اکتبر سال ۱۹۹۰ انجام پذیرفت. گزارش دوم وی حاوی واقصیت های بیشتری از عملکرد رژیم حاکم در زمینه نقض حقوق بشر بود. همین امر موجب شد که جمهوری اسلامی بشدت از آن گزارش انتقاد نماید. در هر دو سفر مقامات حکومت موانع متعددی برای تماس با زندانیان سیاسی و مخالفین حکومتی در داخل کشور و تامین درخواستهای گالیندوپول بوجود آوردند.

این بار نیز سران رژیم از همکاری با گالیندوپول سرباز زدند. آنها به گالیندوپول اجازه ندادند با زندانیانی که اسامی آنها را در دست داشت، ملاقات کنند.

گزارش سفر سوم گالیندوپول هنوز انتشار نیافته است.

رژیم می کوشد با ظاهر سازی و فریب کاری ثابت کند که در جهت جهت تامین خواستهای کمیسیون حقوق بشر پیش می رود. ولی میزان اقدامات دستگیریها و شکنجه مخالفان و محکومیت آنان در دادگاههای غیر هلنی ادامه خصوصیت با حق بیان و تشکل و اعمال سانسور و توقیف خودسرانه تبعیض از نشریات غیرحکومتی، بازداشت زنان بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی، یورش وسیع بمنازعه ها و شرکتها برای کشف ویدئو و نوار و عکس و بازداشت افراد بخاطر داشتن آنها و موارد متعدد دیگر نشان می دهد که حقوق ابتدائی مردم همچنان با خشونت و شدت عمل نقض می شود تشبیهات رژیم به هیچ وجه نمی تواند بر اقدامات سرکوب گرانه اش سرپوش بگذارد.

دستگیری دیپلمات رژیم در سوئیس بخاطر همکاری در قتل بختیار

بته از صفحه اول

تعقیب بین المللی صادر کرده بود. شیخ عطار معاون فرضی از مسعود هندی خواسته بود برای قاتلین ویزای ورود به فرانسه تهیه کند.

به دنبال دستگیری سرحدی در سوئیس مقامات جمهوری اسلامی جار و جنجال بسیار براف انداختند و وزارت خارجه رژیم نسبت به این امر اعتراض کرد. در رسانه های جمهوری اسلامی اعلام شد که فرد دستگیر شده دارای عضویت دیپلماتیک بوده است. اما دولت سوئیس اعلام کرد که ضیاء سرحدی بدون مأموریت دیپلماتیک بود و با ویزای توریستی به این کشور سفر کرده است.

جمهوری اسلامی به سیاق همیشگی و با امیدواری به محاشات و امضایهایی که دولت سوئیس تاکنون نسبت به اقدامات تروریستی رژیم ایران از خود نشان داده است، تلاش کرد متقابلا برای کارمندان سفارتخانه سوئیس در تهران ایجاد مزاحمت کند و از جمله از سفر یک خانم سوئیسی کارمند سفارت به خارج جلوگیری کرده و پاسپورت وی را توقیف نماید.

واکنش شدید و فوری دولت سوئیس دایر بر بستن سفارتخانه خود در تهران و اینکه ایجاد مزاحمت و آزار کارمندان سفارت

تداوم درگیری بر سر ملاقات با منتظری

بته از صفحه اول

با تشدید این جنجال، حدود ۴۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی بیانیه ای خطاب به "ملت تهران ایران" اعلام داشتند که عده معدودی از نمایندگان برآنند که با طرح ملاقاتشان با آیت الله منتظری و محرم جلوه دادن این ملاقات از طریق تریبون مجلس شورای اسلامی، در دعای کینه را نو سازند و اذجان همومی را مشغول نمایند. بدان امید که شاید به بخشی از مقاصد سیاسی خود دست یازند. در این بیانیه آمده است: "ما نمایندگان امضاکند زیر اینگونه حرکت های آشفته را تعقیب و محکوم می نمایم و از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و دیگر نمایندگان ارادتمند به ساخت مقدس حضرت امام رضوان علیه می خواهیم که بیشتر از این اجازه ندهند که فرموده های آن رهبر جاودانه تضعیف گردد و توجیه های خردمندانه آن پیشوای راحل این چنین دستخوش بازیهای سیاسی قرار گیرد".

مریم بهروزی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی در جمع دانشجویان دختر مدرسه عالی قضایی قم در این زمینه گفت که: این حرکت سیاسی بسیار اشتباهی بود که متأسفانه انجام شد اما تعدادی که در این ملاقات شرکت داشتند خیلی کمتر از تعدادی بودند که در ابتدا عنوان می شد. البته بسیاری از آقایان هم بعدا که متوجه بازتاب حرکت نابجای خود شدند متنبه گردیده و رسماً هم

مجلس شورای اسلامی در جمع دانشجویان دختر مدرسه عالی قضایی قم در این زمینه گفت که: این حرکت سیاسی بسیار اشتباهی بود که متأسفانه انجام شد اما تعدادی که در این ملاقات شرکت داشتند خیلی کمتر از تعدادی بودند که در ابتدا عنوان می شد. البته بسیاری از آقایان هم بعدا که متوجه بازتاب حرکت نابجای خود شدند متنبه گردیده و رسماً هم

مجلس شورای اسلامی در جمع دانشجویان دختر مدرسه عالی قضایی قم در این زمینه گفت که: این حرکت سیاسی بسیار اشتباهی بود که متأسفانه انجام شد اما تعدادی که در این ملاقات شرکت داشتند خیلی کمتر از تعدادی بودند که در ابتدا عنوان می شد. البته بسیاری از آقایان هم بعدا که متوجه بازتاب حرکت نابجای خود شدند متنبه گردیده و رسماً هم

بیانیه شورای مرکزی

درباره انحلال اتحاد شوروی

بته از صفحه اول

شوروی که طی دهه ها انباشته شده بود، سنگینی سهمگین خود بر کرده این کشور را در سالهای آفازین مشتاد نشان داد. این بحران فراگیر، سست پایگی بنای رفیع شوروی را نشانه گرفته بود. با شروع مشی پروسترویکا توسط گارباچف، روند تخریب کهنگی ها و کهنه هاستاب گرفت. روح آزادی به پرواز درآمد و کنکاش همومی برای برون رفت از بن بست رکود و تلخکامی شکوفه زد. در این مراحل نخستین، نهال امید به جایگزین شدن جامعه ای نو بر پایه های دموکراسی، ترقی و عدالت بجای "اتفا موجود" قد کشید. اما با پیشرفت روند رهایی جامعه از فشار و اختناق چند دهه ای، وضع تغییر کرد. نیروی عظیم کهنه پرست جامعه، که قبل از همه و بیش از همه در دستگاه حکومت تک حزبی متشکل بود، در بیم از پیشروی روند تحول به کار شکنی و خرابکاری پرداخت. نیروی کورناسیونالیسم در سراسر اتحاد جماهیر شوروی فوران کرد، کشور را زیر هممیز خود گرفت و امید به اتحاد برای وضع بهتر، جای خود را به یاس از فردای مشترک و خشم و نقاره علیه یکدیگر داد. سیاستمدارانی فرصت هار ازشخص دادند و به نام آزادی و دموکراسی، و با تکیه بر خطاها و تزلزل های رهبری تحول، به بازی با احساسات مردم تازه بیدار شده برخاستند. تجزیه سیاسی و تجزیه ملی، اتحاد شوروی را در هم پیچاند. پروسترویکا در چنبره کشاکش ها، از حرکت باز ایستاد. از بحران جامعه، جامعه بحران پدید آمد و شوروی، شتابان در سراشیب نابودی قرار گرفت.

ماه اوت ۹۱ به زمان زور آزمائی های نهائی بدل شد. محافظه کاران بنام نجات شوروی، دست به کودتا زدند تا بلکه خود را نجات دهند. اما کودتا شکست خورد و محافظه کاران تارومار شدند و هم گارباچف ضعیف شد. تلاش او برای تأمین اتحادی نوین میان جمهوری های شوروی سترون ماند. عمر "وحدت سوسیالیستی" سرآمد و جای آنرا جدائی ها و تکه تکه شدن اتحاد شوروی گرفت. یلتسین بعنوان فاتح

ایران و تجزیه شوروی

بته از صفحه اول

آنجا که به جمهوری های مسلمان نشین شوروی سابق میگردد، گرایشات موجود را میتوان به اعتباری چنین دسته بندی کرد: گرایش طرفداری از مشی یلتسین و نزدیکی به غرب

گرایش پان ترکیسم و طرفداری از ایجاد "ترکستان بزرگ"

گرایش اسلامی، که خود بسته به تعلق به مراکز اصلی قدرت اسلامی یعنی عربستان و پاکستان سنی از یک سو و جمهوری اسلامی شیعه از سوی دیگر، از هم تفکیک میشوند.

جمهوری اسلامی با حضور در این کشمکش، پایه هر صد رقابت خطرناکی میگذارد که آینده آن به کلی در پرده ابهام پوشیده است. رژیم، که نگاه فرامرزی اش به ملتها اساسا از همان نوح نگاهی است که به مردم ایران دارد، با ورود در بازی رقابت با ترکیه به تنگنا چیزی که توجه ندارد امکان انتخاب درست و مستقلانه مردم در هر یکی از جمهوری های مسلمان نشین است. رژیم نه فقط نمیخواهد این ملتها در مسیری قرار بگیرند که دچار ناسیونالیسم کور و شونیسیم نشوند، بلکه با اقدامات ضدانگیزه های خود زمینه را برای تحریک ملل ناسیونالیسم ترک فراهم می آورد که خطری است دوسویه: هم برای خود آن ملتها و هم برای مردم ایران. هیچ تضمینی وجود ندارد که این ناسیونالیسم بفکر توسعه دامنه نفوذ خود به ایران نیفتد. نطفه های تشنج در مرزهای شمالی ایران و بادهایی که با شدت های مختلف از هر دو سوی مرز برای تقویت این نطفه ها جریان دارد، هشدار دهنده است. احساس مسئولیت سیاسی ایجاب میکند که نیروهای دموکرات و ترقیخواه ایرانی چشمان خود را بر سناریوهای تاچندی قبل غیر قابل تصور ولی هم اکنون محتمل فرو نیندند.

ایران، می تواند در قبال جمهوری های نو استقلال شوروی سابق یکی از این سده مشی را در پیش گیرد:

۱- انزوا طلبی همراه با محکم کردن و هر چه خدشه ناپذیر تر کردن مرزهای شمالی

۲- تلاش در بهره گرفتن از موقعیت ایجاد شده به سود تحکیم منافع و بسط قدرت و نفوذ خود و تقویت جریان های وابسته و رقابت با سایر قدرت های مداخله جو.

۳- تلاش برای ایجاد یک سیستم امنیت و همکاری جمعی، با مرزهای باز و حداکثر همکاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با همسایگان جدید شمالی، احترام به حق حاکمیت این ملتها و کوشش برای ایجاد اعتماد متقابل.

بخشش سیصد میلیون دلاری به حساب کی؟

هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری اسلامی در سفر خود به سوئد، سیصد میلیون دلار به "همر بشیر" اهدا کرد تا صرف خرید تسلیحات کند. هدیه از کیسه ملتی نثار شده و به خاک سپاه نشاندن شده به یک حکومت نظامی سرکوبگر و مرتجع برای سرپا ماندن و تقابل آن با ملت گرسنه و فقیر خود؛ برای اسلامی تر کردن سوئد و گسترش نفوذ بنیادگرایی اسلامی. رفسنجانی و حکومت اسلامی ایران، سیصد میلیون دلار رشوه دادند تا در سوئد حد و گردن

زده شود، زنان نیمه انسان تلقی شوند، قوانین جامعه، اندیشه، رفتار و پوشیدن و نوشیدن به کنترل درآید و اسلامی شود. از جیب مردم ایران سیصد میلیون دلار پرداخت شد تا ملایان ایران پایگاهی در آفریقا و پشتیبانی در صحنه بین المللی بیابند. رفسنجانی روز ۲۹ آذر در خطبه‌های خود خطاب به همتایان تروریست خود در حکومت می‌گوید: "هم در داخل احتیاج به تدبیر داریم که این پایگاه را محکم کنیم هم در سیاست خارجی مان احتیاج به تدبیر داریم که بتوانیم حضور انسان تمام شده است."

مناظره بر سر

مناظره با اعضای شورای نگهبان

مناظره با اعضای شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی طرح و به یکی از موضوعات مورد مباحثه بین جناح‌ها تبدیل شده است. اخیراً هیئت رئیسه مجلس از شورای نگهبان درخواست مناظر در مورد اصل ۹۹ قانون اساسی را نموده است. چند ماه قبل نیز کربوبی رئیس مجلس شورا بعد از بخش مصاحبه دو تن از اعضای شورای نگهبان، از سیمای جمهوری اسلامی خواست که از دو نفر از نمایندگان مجلس دعوت نماید تا بصورت میز گرد با اعضای شورای نگهبان صحبت کنند. این مسئله در بین نیروهای حکومت بازتاب پیدا کرد.

علی‌اکبر پرورش نماینده اصناف یسدت به مخالفت با این پیشنهاد برخاست و اظهار کرد که طبق قانون اساسی تنها مرجع و فصل الخطاب، شورای نگهبان است و هیئت رئیسه نمیتواند در مورد تفسیر شورای نگهبان اعتراض بکند چه برسد به اینکه تقاضای معارضه و مناظره داشته باشد. علاوه بر طبق ماده ۳۵ آئین نامه داخلی مجلس نه رئیس مجلس و نه هیئت رئیسه حق ندارند چنین تصمیمی را اتخاذ نمایند. کربوبی در پاسخ به پرورش اعلام کرد که تغییر شورای نگهبان را از ماده ۹۹ قانون اساسی مخدوش می‌داند و تفسیر شورای نگهبان بوی سیاسی میدهد. او گفت که به همین خاطر "دعوت کردیم از نظر حقوقی بنشینیم صحبت کنیم... در قوانین همانطور است که میفرمائید

تشکیل اجلاس شورای همکاری خلیج

مصاحبه اظهار داشت که روابط ایران و کشورهای خلیج فارس پیشینه تاریخی دارد و رو به گسترش است. او تاکید کرد مسئله انعقاد پیمان نظامی با ایران مطرح نیست. وزیر خارجه کویت نیز گفت که شورای همکاری خلیج فارس در مرحله سوم مذاکرات صلح بین اعراب و اسرائیل شرکت میکند. سخنان بشاره نشان میدهد که شورای همکاری خلیج همچنان سیاست اتحاد با سوریه و مصر را پیش می‌برد و در بین حال تلاش میکند روابط خود را با ایران بدون انعقاد پیمان نظامی گسترش دهد. جمهوری اسلامی نتوانست بعد از جنگ خلیج فارس نظر این کشورها را به پیمان پیشنهادی خود (۶+۱) جلب کند.

در حاشیه رویدادهای سیاسی

مسکوت گذاشتن "طرح لزوم رعایت حجاب و هفت عمومی"

مصاحبه بارونزنامه اطلاعات می‌گوید که "...من فکر نمی‌کنم در این زمینه فقط کار انتظامی معنی داشته باشد یا درست باشد که مابه مجرد اینکه یک دختری را ببینیم که رعایت حجاب اسلامی را بطور کامل نکرده با آن برخورد انتظامی کنیم".

"در بخش مربوط به عدم رعایت حجاب اعتقاد مابه صورت جدی این است که باید کار فرهنگی ارشادی و تبلیغی انجام شود". علاوه بر برخورد مامورین حکومتی با زنان در مواردی به اعتراض وسیع مردم منجر شده است که می‌توان نمونه اعتراض مردم اصفهان را در چند ماه قبل نام برد این نیز هاملی است که سران حکومت با احتیاط بیشتری نسبت باین مسئله برخورد می‌کنند و لذا مصلحت را در آن دیده‌اند که فعلاً "طرح" را مسکوت بگذارند.

تدبیر تازه

کیهان به موضوع حجاب، ویدئو و سایر موضوعات از این دست کمتر می‌پردازد و همده نیروی خود را حول کتابهای منتشره، نشریات و فیلم های ساخته متمرکز کرده است. بهمین خاطر قلم بدستان کیهان جملاتی از تعدادی از رمانهای چاپ شده را دست چین کرده و بدرج آنها در روزنامه مبادرت می‌ورزند جملات دست چین شده سند محکومیت این کتابها و نویسندگان آنهاست. داغ نگهداشتن موضوع "تهاجم فرهنگی" در طی چند ماه اخیر و سخنان تند و تیز رهبر در مرداد ماه گذشته نتوانسته است تمام مقاصد کیهان و سازمان تبلیغات اسلامی را که آتش بیاران این محرکه هستند، تامین نماید برای آنها تعطیل نشریه گردون و کنار گذاشتن صباح زنگنه مدیر کل اداره نگارش وزارت فرهنگ و ارشادیک گام بحساب می‌آید. آنها می‌خواهند تمام راه را به پیمایند.

رفسنجانی: دیگر شعار نمی‌دهیم!

کنفرانس مادرید در تهران برگزار شده، نیست؟ آن کنفرانس مصداق بارز "حرفهای افراطی" شعارهای هیر هملی و بیخود ترساندن "بود و موجب انزوای شدید حکومت اسلامی پیرامون مسئله فلسطین گردید. سخنان رفسنجانی را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که مشی متقابل جویانه‌ای که از سوی رژیم در این کنفرانس اتخاذ شد، مشی دوام دار سیاست خارجی از جمله در مورد مسئله فلسطین نخواهد بود. این سخنان صرفنظر از جنبه‌های تبلیغی و هوموگریانه و بزرگ نمائی های نقش رفسنجانی در کنفرانس سران، طعنه‌ای است به نیروهای که با سیاست خارجی رژیم مخالفند و خواهان اتخاذ مواضع تندتر مبتنی بر صدور انقلاب اسلامی هستند.

"طرح لزوم رعایت حجاب و هفت عمومی" برای مردان نیز جرم محسوب شده است. هدفی از نمایندگان بعد از بحث های اولیه در مورد "طرح" خواستار مسکوت ماندن آن بحدت شش ماه شدند. یکی از پیشنهاد دهندگان اعلام کرد که شورای عالی امنیت ملی در صد یک بررسی همه جانبه در مورد مسئله حجاب است و جزوه ۲۰ صفحه‌ای نیز در این زمینه تهیه شده است.

این "طرح" که با شدت گرفتن اعتراضات بخشی از نیروهای حکومتی نسبت به عدم رعایت حجاب اسلامی توسط زنان در مجلس شورا مطرح گردید بخاطر اختلاف بین سران رژیم بر سر چگونگی برخورد با مسئله حجاب و اجرای عملی آن مسکوت ماند. عبدالله نوری وزیر کشور که نهادهای تحت مسئولیت وی مجری این طرح ها است، در

"طرح لزوم رعایت حجاب و هفت عمومی" در مجلس شورای اسلامی به مدت شش ماه "مسکوت" گذاشته شد. گفته مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی، این طرح در جلسات متعدد با حضور کارشناسان دستگاههای اجرائی مطرح و با اصلاحات کلی در کمیسیون مورد تصویب قرار گرفته بود. در این طرح آمده است حجاب بانوان در اصطلاح این قانون عبارت است از پوشاندن موی سر و تمام بدن باستثنا وجه و کفین و عدم رعایت آن جرم محسوب می‌شود. در طرح مصادیق عدم رعایت حجاب ذکر شده است استفاده از لباسهای که برآمدگی های بدن را مشخص سازد و روسری های نازک و کوچک بطوریکه موها و گردن را نپوشاند از آن جمله است. "طرح" مردان را نیز بی نصیب گذاشته است، بطوریکه استفاده از "البسه مبتدل و خلاف عفت

روزنامه کیهان برای داغ نگهداشتن موضوع "تهاجم فرهنگی" تدبیر تازه‌ای اندیشیده است. درج مقالات بطور و سراپا دشنام به نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم حاکم دیگر برای خوانندگان روزنامه جاذبه ندارد. لذا کیهان به شیوه دیگری توسل جسته است تا بلکه بازار خود را گرم نگهدارد و نشریاتش را از دست ندهد. کیهان تصمیم گرفته است ستونی را با عنوان پرسش و پاسخ در باره هجوم فرهنگی غرب کشوده و به سولات مطروحه از طرف خوانندگان در این زمینه پاسخ دهد. کیهان در نخستین پاسخ به سولات خوانندگان می‌گوید که هجوم فرهنگی در سه چهار سال اخیر به لحاظ گستردگی و سازماندهی پدیده بی سابقه‌ای است و دشمن بخاطر یاس از هجوم نظامی و سیاسی همده انرژی خود

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۹ آذرماه تهران، طی سخنرانی مفصلی به تشریح "دستاوردهای" جمهوری اسلامی از حضور در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سنغال پرداخت و نتایج این کنفرانس را یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک برای سیاست خارجی رژیم ارزیابی کرد. وی ضمن تشریح فوق العاده مبالغه آمیز حضور و نفوذ انقلاب اسلامی در آفریقا مدعی شد که "روح انقلاب اسلامی" در کنفرانس سران حاکم شد. رفسنجانی رضایت کامل خود را از قطعنامه پایانی اعلام کرد و نتیجه گرفت: "در سیاست خارجی مان احتیاج به تدبیر داریم که بتوانیم حضور پیدا کنیم و مردم را کمک کنیم

حل اختلافات مالی

ایران و فرانسه

درخواست جمهوری اسلامی و تعوی نگذاشت و شرکتجای فرانسوی نیز که قرار دادهایشان در ایران لغو شده بود، متعاقباً طلب فرامت کردند. اختلاف دو کشور تا سال ۱۹۸۸ همچنان باقی ماند. دولت فرانسه تنها پس از آزادی گروگانهای این کشور در لبنان موافقت کرد که طلب ایران را پرداخت کند. طی ۳ سال مذاکره، فرانسه دو سوم اصل وام یعنی ۶۳ میلیون دلار را پرداخت کرد. مطابق قرارداد نهائی، فرانسه مبلغ یک میلیارد دلار دیگر بابت اصل و فرع وام مذکور به حکومت ایران می‌پردازد. نیم میلیارد دلار از مبلغ فوق یک روز پس از امضای قرار داد به حساب جمهوری اسلامی واریز گردید و قرار است نیم میلیارد دلار دیگر نیز در سه نوبت و از طرف یک سال پرداخت شود. گفته می‌شود قرار داد نهائی دارای یک بخش سری است که در پارلمانهای دو کشور مطرح نخواهد شد. سری ماندن بخشی از قرار داد احتمال توافق های بین طرفین در مورد درخواست جمهوری اسلامی مبنی بر تحویل اورانیوم فنی شده از فرانسه را پیش می‌کشد. جمهوری اسلامی سالهاست که خواستار اورانیوم هستی شده از جمله از کشورهای آلمان و فرانسه است. با این درخواست تا کنون ظاهراً مخالفت شده است، زیرا این احتمال که جمهوری اسلامی بطور پنهان در جهت دستیابی به امکانات ساخت سلاحهای اتمی است یک احتمال جدی است.

حل اختلاف مالی جمهوری

اسلامی و فرانسه با استقبال دو دولت مواجه شده و به معنی برداشته شدن بزرگتر مانع بر سر توسعه روابط دو جانبه تهران و پاریس و آغاز سطح تازه‌ای در روابط بین دو کشور ارزیابی می‌گردد. تاکیدات مقامات دو کشور مبنی بر گسترش بیشتر روابط دو جانبه این سوال را با قوت بیشتری مطرح می‌سازد که سرنواشت نقض حقوق بشر و سرکوب آزادیهای سیاسی در ایران و ادامه اعمال تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور در مناسبات فرانسه با جمهوری اسلامی چه خواهد شد و این دولت تاچه اندازه برای تأمین منافع اقتصادی خود به سکوت و چشم پوشی در برابر جنایات جمهوری اسلامی و نیز برنامه‌های جاه طلبانه و خطرناک آن در زمینه تسلیحات تن خواهد داد؟

توافق ایران و افغانستان برای کمک به تحصیلات زنگان

در ماه گذشته هواپیماهای باری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی چندین روز متوالی با پرواز بر فراز آسمان افغانستان محموله‌های غذائی برای تحصیلات زنگان منطقه بامیان فروریختند. به گفته فرید مزدک معاون حزب وطن این پروازها در پی توافق مقامات دولتی ایران و افغانستان صورت گرفت.

اقدام دولت ایران با اعتراض شدید برخی از گروههای اپوزیسیون افغانی مواجه گردید. حکمتیار هم ایران را اقدامی برای ایجاد اختلاف میان مجاهدین نامید. شورای فرماندهان مجاهدین پرواز هواپیماهای نظامی ایران به افغانستان را نقض حریم هوائی افغانستان و تجاوز به حاکمیت این کشور تلقی کرده‌اند. از سوی دیگر برهان الدین ربانی با تکذیب اخبار مربوط به توافق تهران و کابل، ارسال کمک برای تحصیلات زنگان را مورد پشتیبانی قرار دارد.

با میان در منطقه هزاره جات در بخش مرکزی افغانستان واقع است و اکثریت سکنه آن از نظر اعتقادات مذهبی، شیعه هستند. خشکسالی سال جاری باعث بروز تحطی سمگین کنونی گردیده است. تاکنون عده زیادی از اجالی هزارجات قربانی این تحطی شده‌اند. سکنه این منطقه اکنون دسته دسته آنجا را ترک می‌کنند و راهی نقاط دیگر می‌گردند. به نوشته مطبوعات ایرانی تاکنون قریب ۴۰ هزار تن آنان وارد ایران شده‌اند.

لایحه بودجه سال ۷۱ در مجلس

۱۶/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. میزان کسری بودجه سال ۷۱ معادل ۲۳ میلیارد ریال است. در این لایحه سهم هزینه‌های جاری ۶۷ درصد و هزینه‌های عمرانی تنها ۳۳ درصد می‌باشد.

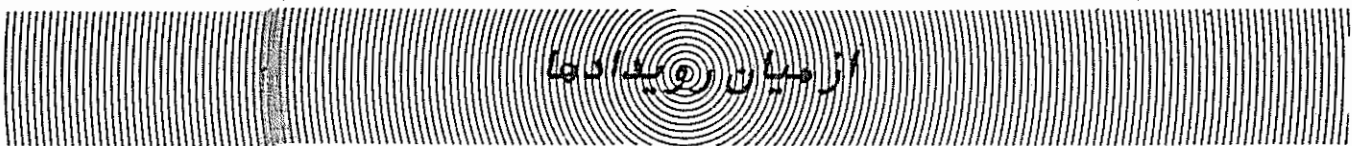
از سوی هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور لایحه بودجه سال ۱۳۷۱ جهت تصویب به مجلس برده شد. رقم بودجه سال آتی حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال است که نسبت به بودجه سال جاری بنا به گزارش نشریه انگلیسی میدل ایست اکونومیک دایجست واردات ایران در نیمه اول سال ۱۹۹۱ به نحو چشمگیری افزایش داشته است. مطابق برآوردهای روزنامه در صورت حفظ این روند در نیمه دوم سال ۹۱ ارزش کل واردات ایران در تمامی سال به رقم ۳۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

آلمان در صدر صادرکنندگان کالا به ایران

بنا به گزارش نشریه انگلیسی میدل ایست اکونومیک دایجست واردات ایران در نیمه اول سال ۱۹۹۱ به نحو چشمگیری افزایش داشته است. مطابق برآوردهای روزنامه در صورت حفظ این روند در نیمه دوم سال ۹۱ ارزش کل واردات ایران در تمامی سال به رقم ۳۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

فروش املاک شاه تو سط بنیاد هملوی

بنیاد هملوی در صدد است دو میلیون هکتار اراضی کشاورزی تحت تصرف خود را به روستائیان بفروشد. بنیاد هملوی که همان بنیاد پهلوی است املاک و اراضی شاه و در بار سابق را در اختیار دارد. اراضی این بنیاد شامل مزارع ۱۲۰۰ روستا می‌شود. سرپرست



هزاران روستای کشور در محاصره برف قرار گرفتند

بارش نخستین برف شدید در بخش وسیعی از کشور در آذرماه، مشکلات فراوانی برای مردم بویژه در مناطق محروم به بار آمده است. روستاها و آبادیهای بسیاری در محاصره برف قرار گرفته‌اند و ارتباط آنها با شهرها گسسته شده است. تنها در الیگودرز ۴۰۰ روستا و در فارس (چهارمحال بختیاری) ۳۰۰ روستا در محاصره واقع شدند. فقدان راه و تجهیزات راهداری عامل بروز این وضعیت است دولت به تقاضای مسئولین محلی برای ارسال کمک‌های اولیه از طریق هوا توجهی نشان نداده است.

علاوه بر این طی همین مدت جاری شدن سیل خسارات جانی و مالی فراوانی ببار آورد. در دره شهر (استان ایلام) ۶۰ در صد ساختمانها تخریب شدند و یا متحمل خسارت گردیدند. طی این حادثه لااقل ۵ تن جان خود را از دست داده‌اند.

همچنین در همدان، خرم‌آباد و فیروزآباد نیز سیل خسارات فراوانی ببار آورد. در آغاز ماه جاری نیز استانهای غربی کشور با بارندگی کم سابقه‌ای روبرو گردیدند. در شهرهای استانی خوزستان، باختران، کردستان، سیل جاری شد. خسارات ناشی از سیل تنها در استان خوزستان بیش از ۴ میلیارد ریال بوده است.

امریکا ۲۵۰ میلیون دلار فرامتن پرداخت میکند

آمریکا از اجرای یک معامله تسلیحاتی قطعی تعیین گردید. ۲۶۰ میلیون دلار از فرامتن مزبور بزودی به حساب ایران واریز خواهد شد.

ایجاد پایلایگاه برعهده بخش خصوصی است

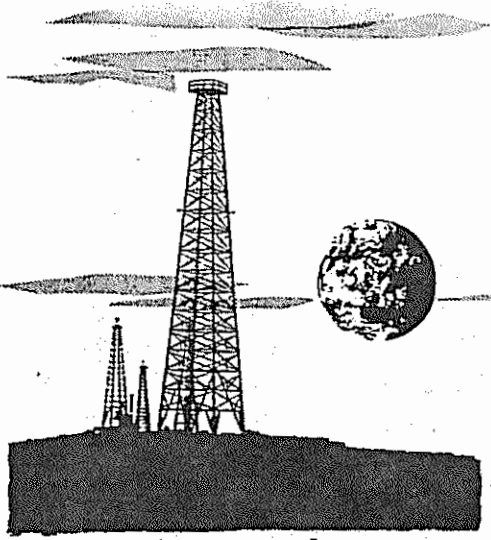
وزارت نفت اعلام داشت که از این پس تاسیس پایلایگاههای نفت و کارخانجات روغن سازی بر عهده بخش خصوصی خواهد بود. به گفته مهندس کمیسیون نفت علاوه بر شرکت‌های ایرانی کمپانی‌های خارجی نیز می‌توانند با ایجاد این قبیل مجتمع‌ها اقدام بنمایند.

وزیر آموزش عالی

تامین اهدا خبرنامه پنجساله ناممکن است

به گفته وزیر فرهنگ و آموزش عالی تامین اهدا خبرنامه پنجساله در این هرحص نامقدور است. وی گفت طی دو ساله نخست اجرای برنامه می‌بایست ۴۰ درصد آن اجرا در می‌آمد در حالیکه تاکنون تنها ۲۴ درصد آن متحقق شده است. وی گفت عده دانشجویان کشور ۱۳۳۷۰ تن هستند در حالیکه برای رسیدن به آمار برنامه

در حال حاضر ...
نیاز داشته باشند.
فشار فزاینده‌ای برای افزایش سطح دستورها وجود دارد تا مهمترین محرب و کلاسزومه به کار در شرایط طاق‌فرازی جنوب ایران ترغیب شوند. گرچه فرصتهای کاری در بخش عمومی هنوز به شدت محدود است اما این وضعیت که سطح دستورها در آزا، کار برابر در آن بخش چند برابر می‌باشد باعث شده است تا شرکت ملی نفت ایران مجدداً سعی در جلب کارکنان متحر نماید. دولت نیز برای این ساطه به شدت زیر فشار است. شرکت ملی نفت ایران منضم است تا بیشتر کار در سادین خنکی را خود انجام دهد اما به علت کمبود نیروی حرفه‌ای ناچار است در پاره‌ای از موارد شرکت‌های خارجی را بجا آورد. در قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری از شرکت تریشون کانادا خواسته شده است که این شرکت برای هفر ۵۳ حلقه چاه در شش میدان خنکی از ۶۰۰ متخص حفاری استفاده کند. در بین سایر شرکت‌هایی که در میدان خنکی کار می‌کنند نام شلامرکز از فرانسه، و کامیونالوک از کانادا، فلا از ایستکان، گار دایند استریز امریکا بود. بدین معنی خود، این دو شرکت در آموزش تکنیسین‌های محلی پرداخته‌اند. با شرکت سگرند تونر قراردادی امضا شده است که به موجب آن این شرکت ۶ چاه حفاری در میدان اموار را به مرحله تولید خواهد رساند مرکز این شرکت در هوستون واقع است. یک شرکت دیگر کانادایی به نام کارنیو بایلیان اینترنشنال در حال تعمیر واحدها خطوط لوله است.



در میداین اموار با تولید حدود ۸۵۰۰۰۰ بشکه میاتکن تولید هر چاه ۱۲۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز است. در مقابل، در میدان نفتی منظم عربستان سعودی به نام غوار تولید روزانه هر چاه طی متجاوز از چهل سال از ۲۵۰۰۰۰ بشکه فقط به ۱۵۰۰۰۰ بشکه کاهش یافته است. برنامه نصب تاسیسات تزریق گاز در میدان نفتی کبشاران با تولید روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه که دو سال قبل از انقلاب شروع شده بود، تقریباً رو به پایان است. در نتیجه میزان فشار در این میدان تقریباً به دو برابر یعنی به ۲۶۰۰ پوند بر اینچ مربع خواهد رسید. میزان جریان نفت از هر یک از چاههای این میدان به طور متوسط ۱۰۰۰۰-۸۰۰۰۰ بشکه در روز است. پارس و گرچ دو میدان نفتی دیگرند که در گذشته اهمیت داشته اما به علت جریان محکوم فلان مثال نمی‌شوند. طبق برنامه‌های رسمی، میزان تولید هر یک از این میداین پس از تزریق گاز به روزانه ۲۰۰۰۰۰-۱۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید. این میداین قبلاً در سالهای ۱۹۷۰ از نمالت

باز مانده، با اقبال انتظار نمی‌رود برای مدتی طولانی به تزریق گاز نیاز داشته باشند.
فشار فزاینده‌ای برای افزایش سطح دستورها وجود دارد تا مهمترین محرب و کلاسزومه به کار در شرایط طاق‌فرازی جنوب ایران ترغیب شوند. گرچه فرصتهای کاری در بخش عمومی هنوز به شدت محدود است اما این وضعیت که سطح دستورها در آزا، کار برابر در آن بخش چند برابر می‌باشد باعث شده است تا شرکت ملی نفت ایران مجدداً سعی در جلب کارکنان متحر نماید. دولت نیز برای این ساطه به شدت زیر فشار است. شرکت ملی نفت ایران منضم است تا بیشتر کار در سادین خنکی را خود انجام دهد اما به علت کمبود نیروی حرفه‌ای ناچار است در پاره‌ای از موارد شرکت‌های خارجی را بجا آورد. در قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری از شرکت تریشون کانادا خواسته شده است که این شرکت برای هفر ۵۳ حلقه چاه در شش میدان خنکی از ۶۰۰ متخص حفاری استفاده کند. در بین سایر شرکت‌هایی که در میدان خنکی کار می‌کنند نام شلامرکز از فرانسه، و کامیونالوک از کانادا، فلا از ایستکان، گار دایند استریز امریکا بود. بدین معنی خود، این دو شرکت در آموزش تکنیسین‌های محلی پرداخته‌اند. با شرکت سگرند تونر قراردادی امضا شده است که به موجب آن این شرکت ۶ چاه حفاری در میدان اموار را به مرحله تولید خواهد رساند مرکز این شرکت در هوستون واقع است. یک شرکت دیگر کانادایی به نام کارنیو بایلیان اینترنشنال در حال تعمیر واحدها خطوط لوله است.

در حالیکه خارجیان و حتی عده‌ای در داخل ایران، توانایی شرکت ملی نفت ایران را در رسیدن به اهداف در سه بالا بردن طرفت تولید نفت خشکی مورد برتس قرار می‌دهند. در عوض در مورد دورنمای نفت فلات قاره ایران عده انگشت‌شماری تردید دارند. با افزون ۳ میلیارد به ۱/۲ میلیارد دلار که فلا در برنامه ۵ ساله در نظر گرفته شده بود، طرفت تولید سکوی نفتی خلیج فارس به احتمال قریب به بقیه از ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز که توسط مقامات شرکت نفت فلات قاره ایران به

موانع هدف تعیین شده است. متجاوز خواهد کرد. تولید نفت فلات قاره ایران در حال حاضر روزانه ۲۵۰/۰۰۰ بشکه برآورد می‌شود. با توجه به کارهایی که فلا روی سکوی آسیب‌دیده در میداین نصر و سلمان و سایر تاسیسات انجام شده است، طرفت تولید نفت فلات قاره تا سال ۱۹۹۳ با کمی بعد از آن به ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید. وزارت نفت توسعه فلات قاره را در عرض سرمایه‌گذاری بین‌المللی قرار داده است. یادداشت تفاهمی که با شرکت نونال به امضا رسید اختیارات به شرکت این شرکت در توسعه میدان فلات قاره جزیره سری خواهد انجامید. پروژه‌های توسعه میداین بلال، میداین گاز پارس شمالی و غیره، و اکتشافات نفت و گاز در تنگه هرمز که کمتر مورد ترحس قرار گرفته، از جمله پروژه‌های قابل واگذاری می‌باشند. ساختارهای آلفا و بتا نیز که در تنگه هرمز قرار دارند از جمله پروژه‌هایی هستند که قابل واگذاری می‌باشند. در بخش فلات قاره نیز تزریق گاز برای حفظ و افزایش فشار ذخایر، محور اصلی طرح‌های توسعه و تشکیل می‌دهد. اکنون تقریباً از شش نام سکوی نفتی خلیج‌فارس آتش‌زبانه می‌کشد.

از زندگی در دناک مردم

پدر فقر بسوزد، که درآمد پدرم!

توجه تخصصی و کسب علم و دانش در کشور اسلامی باید به نحوی باشد که هیچ جوان مستعد و دانشجویی به خاطر فقر مالی و نداشتن شهریه ترک تحصیل نکند. و مطمئناً فلسفه دادن شهریه دانشجویی و کمک هزینه تحصیلی هم همین موضوع است. اما مرتب افراد مختلف از شهرهای دور و نزدیک تماس می‌گیرند و ناراحتند از اینکه فرزندانشان در یکی از رشته‌های دانشگاهی قبول شده ولی از عمده پرداخت شهریه بر نمی‌آیند و بعضی از آنها به همین خاطر درس و تحصیل را رها می‌کنند. یکی از بازنشستگان آموزش و پرورش نوشته است که بعد از ۳۰ سال خدمت معلمی و تدریس در مقاطع مختلف تحصیلی دلم به این خوش بود که لائلی یکی از چهار فرزندم وارد دانشگاه می‌شود چون او در رشته‌های مختلف از جمله رشته مهندسی دانشگاه آزاد و مهندسی شبانه کرمان قبول شد که بین آنها فکر کردیم رشته شبانه از دانشگاه آزاد کم هزینه‌تر است و او را سال اول با فروختن لوازم خانه و قرض و شیره فرستادیم و مشغول تحصیل شد با این امید که با توجه به دولتی بودن دانشگاه شاید در مورد کارمندان بازنشسته و کم درآمدها تسهیلاتی قائل شوند و آنها لائلی تحت خدمات سلف سرویس و خوابگاه و کتب و جزوه قرار دهند ولی چنین نشد و حالا نمی‌دانم با ده‌ها مخارج کرایه مسکن و تهیه ارزاق و دردهای بی‌درمان دیگر چه جوری او را به دانشگاه بفرستیم. از همه بدتر اینکه خودش مزه فقر و بی‌چیزی را لمس کرده و متوجه شده است که من به چه نحوی دارم خرج او را فراهم می‌کنم ایست که مدتی است انسرده و دل‌مرده و بسیار فکین است و به خاطر نجاتی بن تصمیم به انصراف از تحصیل گرفته است که با التماس امسال او را روانه دانشگاه کردم. امیدوارم که هیچ پدری را خداوند جلوی فرزندش اینطور شرمند و ناتوان جلوه ندهد! (کیهان ۲۳ آبان ۱۳۷۰)

«خدا برکت بدهد جمعا» دختر و پسر دارد که همگی دانشجویند و یکی دانش‌آموز - در رشته‌های مختلف دانشگاهی. دو تایشان رشته پزشکی دانشگاه آزادند که همین «آزاد» بودن

افزایش ناراحتی روانی در بین دانش‌آموزان

خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول یک روانشناس بنام «جامع بزرگ» گزارش کرده است که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان مدارس تهران از بیماری اضطراب، انسردگی و پرخشگری رنج می‌برند. این روانشناس کار تحقیقی خود را همراه بایک گروه از مربیان امور تربیتی بعد از انقلاب در مدارس تهران آغاز کرده است.

سطح زندگی اقشار وسیعی از مردم کشورمان مرتباً در حال تنزل است. عدم تناسب بین سطح درآمدها و افزایش شتابان قیمت کالاها و خدمات و مسکن موجب شده است که آنها پیوسته به فقر و فلاکت بیشتری کشیده شوند. از جمله شاخص‌های فقر و فلاکت، انت سطح تغذیه مردم است. طی سال‌های اخیر بسیاری از اقلام خوراکی از جمله مواد پروتئینی، حبوبات، میوه‌ها و سبزیجات به جهت افزایش قیمت‌شان عملاً در لیست غذایی مردم به حداقل رسیده است. بسیاری از خانواده‌ها مجبور می‌شوند شکم خود را با ارزاترین مواد غذایی

رئیس دانشگاه علم و صنعت در مصاحبه با روزنامه ابرار (۲۹ مهرماه ۷۰) می‌گوید که تعداد پذیرش دانشجو با تعداد فارغ التحصیلان قابل مقایسه نیست. زیرا تعداد بسیاری از پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها به دلایل مختلف از ادامه تحصیل باز می‌مانند. یکی از دلایل مهم مسئله تامین معاش و هزینه‌های سنگین تحصیلی است. این امر بخصوص در مورد دانشگاه آزاد صادق است. شهریه این دانشگاه طی چند سال اخیر چندین بار افزایش یافته است. شهریه یک دانشجوی پزشکی به ۵۰ هزار تومان و یک دانشجوی دندانپزشکی به ۷۰ هزار تومان رسیده است.

شهریه و هزینه‌های سنگین موجب می‌شود که خانواده دانشجویان فشار سنگینی را تحمل کنند. به درددل پدر یکی از دانشجویان توجه کنید: «پسرم امسال رفت سال دوم رشته پزشکی، هر ترمی که این آقا پسر

... مولی اردبیلی هفته پیش در نماز جمعه تهران ضمن اشاره به وضع رقت بار و قلت حقوق معلمان گفت: «در تم دبیری است بی‌مسکن که از روی ناچاری در اتاق سرایداری دبیرستان زندگی می‌کند و اتفاقاً دختری دارد که در همان مدرسه مشغول تحصیل است و برای اینکه نزد همکلاسیهایش شرمند نشود روزها بدون هدف، همراه آنها از دبیرستان خارج می‌شود و

افت سطح تغذیه مردم

سیر کنند. صرف سرانه گوشت و مواد پروتئینی شاخص برجسته برای سنجش تغذیه مردم است. بنوشته مطبوعات کشور مصرف سرانه هر ایرانی در سال ۱۵ کیلو گوشت قرمز، ۸/۵ کیلو گوشت سفید شیر است. یعنی مصرف گوشت به طور متوسط برای ایرانی روزانه قریب ۴۰ گرم است. افزایش سالانه دو میلیون نفر بر جمعیت کشور موجب می‌شود که هر چه بیشتر از میزان مصرف سرانه این مواد کاسته شود، مصرف مواد غذایی در جامعه یکسان نیست و شکاف شدید در مصرف مواد پروتئینی بین اقشار کم درآمد و

ترک تحصیل دانشجویان

واحد انتخاب می‌کند، چیزی در حدود ۳۰ هزار تومان می‌گیرند، تازه هزینه کتاب، لباس، پول تو جیبی هم دارد. حساب کردم درس خواندن پسر هر ترم چیزی حدود ۵۰ هزار تومان برآیم آب می‌خورد و سالی حداقل ۱۰۰ هزار تومان، تا همین حالا که خدمت جانی‌های مستم، حدود ۲۵۰ هزار تومان بدهکارم و تازه هنوز ۵ سال دیگر مانده است. دیگر روی قرض کردن ندارم. خانه را فروختم و آخر عمری، آنهم در شرایط فعلی اجاره نشین شدم» (آدینه شماره ۶۴- آبان ۱۳۷۰).

بخشی از خانواده‌ها نیز حتی با تحمل فشار سنگین نمی‌توانند هزینه تحصیلی فرزندان را تامین کنند. این امر موجب می‌شود که آنها ترک تحصیل کنند. به این نمونه‌ها توجه کنید: «در کنگور برای رشته پزشکی دانشگاه آزاد قبول شدم و دیدم تا آخر تحصیلاتم یک میلیون تومان پول لازم است که نمی‌توانم تهیه

محرومیت از تحصیل!

نشده است. برای نمونه از جمعیت ۶ تا ۱۹ ساله در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۸ درصد به مدرسه راه پیدا نکرده‌اند و در همان سال از بین کودکان ۱۱ تا ۱۴ ساله ۲۹ درصد به مدرسه نرفته‌اند. آنها که به مدرسه نمی‌روند طبیعی است که نخواهند توانست به عنوان منصری مولد در جامعه به زندگی بپردازند» و «از جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله تنها ۴۵/۲۱ درصد سرگرم تحصیل بوده‌اند» نجفی وزیر آموزش و پرورش

دو مرتبه به مدرسه (منزل شان) برمی‌گردد. بازگو کردن گوشه‌ای از گرفتاریهای وافر معلمان و رفتار آن دختر قوی برای شرمسار نشدنش، نزد همکلاسی‌ها، مرا به یاد واقعه‌ای نظیر آن انداخت که چند سال پیش در مطبوعات خواندم. «در یکی از کشورهای فقیر آفریقای که شاگردان یکروستا، برای رفتن به مدرسه

پر درآمد وجود دارد. استانداردهای بهداشت تغذیه جهانی، مصرف حداقل گوشت روزانه برای هر فرد را بین ۸۰ تا ۱۰۰ گرم تعیین کرده است. ایران در اثر کمبود مصرف گوشت و پروتئین در معرض خطر قرار گرفته است. کمبود این مواد ریشه بسیاری از امراض و کاهش طول عمر است. عدم مصونیت مردم در برابر بسیاری از بیماری‌های ساده، از کار افتادگی و پیری زودرس، رشد نامناسب بسیاری از کودکان، در درجه اول محصول سوءتغذیه و به زبان دیگر گرسنگی مفرط است که مردم مابا آتار و روبرو هستند.

کنم. بنابراین بجای تحصیل به کار پرداختم» (دیپلمه تجربی، ۲۴ ساله) و یک دختر ۲۳ ساله: «در رشته پزشکی دانشگاه آزاد قبول شدم. بعد از گذراندن ترم اول پدرم فوت کرد. یکسال مرضی تحصیلی گرفتم، به دلیل بالا بودن هزینه‌های شهریه به کار مشغول شدم و در نهایت انصراف از تحصیل دادم» (آدینه شماره ۶۳ و ۶۲ مهرماه ۷۰).

عده‌ای از دانشجویان برای تامین هزینه‌های تحصیلی مجبور می‌شوند که هم زمان با تحصیل به کارهای دیگری نیز بپردازند. طبعاً این امر بر میزان آموزش و کیفیت تحصیل تأثیرات زیانبار می‌گذارد. دانشجوی رشته کامپیوتر می‌گوید: «دانشجویی که بخواهد مخارجش را خودش تامین کند، مشکلات بسیار خواهد داشت. در کنار درس باید کارهای دیگری کرد. دلایلی واسطه‌گری راحت‌ترین کاری است که می‌شود کرد و خود من هم کرده‌ام.» (همان منبع)

در یک سمپوزیوم که برای بررسی وضع تحصیلی دانش‌آموزان تشکیل شده بود اعلام نمودند که در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدائی کشور بالغ بر ۹ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر می‌باشند و رشد دانش‌آموزان در این سال بالغ بر ۶/۷ درصد بوده است. گفته می‌شود پوشش واجب‌التعلیم‌ها ۸۹/۸ درصد است. یعنی حدود ۱۰ درصد از افراد واجب‌التعلیم کشور از تحصیل محروم هستند.

رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر درون!

از راهی دور می‌آمدند و ظواهر را در همان محل دبستان از تانی که همراه می‌آوردند تغذیه می‌کردند. یکی از شاگردان تعبدت و فقیر که برای ناهارش نانی نداشته است که همراه بیاورد، برای اینکه نزد دوستانش شرمند نشود، تکه سنگی را درون سفره‌اش می‌گذاشته و پیش آنها اظهار می‌کرده که نانی به همراه دارد؟ و بعد در گوشه‌ای

کاهش چشمگیر

درآمد سرانه

بنا بر آمار منتشره توسط بانک مرکزی، درآمد سرانه در ایران از سال ۱۳۵۵ به بعد سیر نزولی پیموده است. درآمد سرانه از ۱۰۴ هزار و ۴۰۸ ریال در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴۵ هزار و ۸۲۹ ریال در سال ۱۳۶۷ تنزل یافته است. یعنی در طی ۱۲ سال ۵۶ درصد از میزان درآمد سرانه مردم کاسته شده است. در این فاصله زمانی در حالی که به جمعیت کشور حدود ۲۰ میلیون نفر اضافه شده است، درآمد ملی رو به کاهش بوده است که به کاسته شدن بیشتر از درآمد سرانه انجامیده است. درآمد ملی ایران در سال ۱۳۵۵ به قیمت ثابت سال ۵۳ حدود ۳۵۵ میلیارد تومان بوده است در حالی که جمعیت کشور در آن سال ۳۲ میلیون نفر بود. در سال ۱۳۶۷ یعنی ده سال پس از انقلاب، درآمد ملی به ۲۴۷ میلیارد تومان کاهش یافته است، در حالیکه جمعیت به ۵۴ میلیون نفر رسیده است. این امر موجب شده است که سهم هر فرد ایرانی از درآمد کشور روز بروز کاهش یابد. در سال‌های ۶۸ و ۶۹ و روند کاهش درآمد سرانه هم چنان ادامه یافته است.

روزنامه ابرار در این زمینه می‌نویسد: «به طور مداوم و سال به سال از میزان درآمد کم شده و هزینه افزایش یافته است و ضمن تضعیف قدرت خرید افراد، آنان را در شرایطی قرار داده است تا بناچار از بهره‌مندی خود از امکانات موجود بکاهند و تنها به وضعیت اکتفا کنند که در اقتصاد به آن حداقل معیشت و در سطح کل جامعه اقتصاد معیشتی می‌گویند که در آن سطح زندگی بالاتر از نیازهای اساسی زندگی یعنی غذا، سرپناه و پوشاک نیست حتی مردم در تامین آنها با مشکل اساسی روبرو هستند. چنین وضعیتی را فقر مطلق می‌گویند که تشر عظیمی از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد و خود محصول عدم تعادل چشمگیر در الگوی توزیع درآمد است.

به گفته این روزنامه، آمار موجود مبین آن است که ایران هلیرفم همه فئای طبیعی، در وضعیت بسیار نزدیک به فقر مطلق به سر می‌برد. حجم فقر شدید در ایران در سال ۱۳۵۶ در حدود ۲۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. هم چنین فقر بر اساس شاخص مسکن در سال ۶۵ حدود ۲۱/۱ میلیون نفر و بر اساس شاخص تغذیه حدود ۲۲/۷ میلیون نفر بوده است.

دوز از چشم شاگردان لحظاتی را معطل می‌کرده که یعنی نان می‌خورد!!!»

قصه سرخ‌روی معلمان دردمند باسیلی که خود گاه به گاه به صورت می‌نوازند تا رنگ رخسارشان خبر از سر درون ندهد و نزد بچه‌های من و شما شرمند نباشند، داستانی است که بر سر هر کوی بازاری بر زبان‌ها جاری است. اما کوه گوش شنوا؟ (کیهان ۱۱ آذر ۱۳۷۰)

اروپای شرقی و اتحاد شوروی "حیات خلوت" ایالات متحده اروپا؟

م. مزدک

اینکه صنایع این کشورها قادر شوند به بازار جهانی راه یابند، فقط در صورتی متصور است که بتوانند در فضای یک رقابت سخت و سخت دوام آورند. این کار، تازه اگر شدنی باشد که نیست، تنها در شرایط حداقل دستمزدها و فقر و بی‌نوازی مردم امکانپذیر خواهد بود. بنابر این امید خلقهای "رهایی یافته" اروپای شرقی و اتحاد شوروی به اینکه اقتصاد بازار برای آنها به مانند کشورهای اروپای غربی با تأمینات اجتماعی توأم باشد و همان سطح مصرفی جوامع سرمایه‌داری پیشرفته را به همراه بیاورد، به زودی به یاس مبدل خواهد شد.

علاوه بر آنچه گفته شد، با انطباق این جوامع بر اقتصاد بازار سرمایه‌داری سطح کنونی تأمینات اجتماعی نیز از بین خواهد رفت. بر کاری افزایش خواهد یافت، نسبت زنان شاغل کاهش خواهد یافت، امکانات عمومی تعلیم و تربیت مجانی کودکان و مراقبتهای بهداشتی و پزشکی مجانی بشدت محدود خواهد شد. با آزاد شدن اجاره‌بها، مسئله مسکن نیز به وخامت گراییده و بی‌خانمانی گریبان کسانی را که قدرت خرید کافی ندارند خواهد گرفت. آشنایی نظیر بازنشستگان، مادرانی که بچه‌های خود را به تنهایی تربیت میکنند، شافلان دارای سن بالا و دانشجویان نیز از بازنده‌گان اصلی تحول نظام اجتماعی در اروپای شرقی بشمار می‌روند.

با وجودی که این کشورها تازه در آغاز راه هستند، همین امروز نیز در کشورهای نظیر لهستان و مجارستان مشهود است که شیوه تولید سرمایه‌داری در مدارج پایین رشد، به ثروت اندوزی شتابان تعداد قلیلی و فقر و فلاکت انبوهی از مردم منجر میگردد. هم‌اکنون بیش از سی درصد مردم لهستان و مجارستان در مدارج فقر و یادر زیر آن روزگار خود را میگذرانند. در ورشو و بوداپست صحنه‌هایی که در آن کهنسالان و بازنشستگانی که در زباله‌ها به دنبال اشیای قابل مصرف میگردند پدید آمده‌اند، مشاهده شد. حتی در شرق آلمان که از بازسازی اقتصادی توسط جمهوری فدرال آلمان برخوردار است، مردم استقرار اقتصاد بازار سرمایه‌داری را که خود آرزوی آن را کرده بودند، بعنوان یکی شوک بزرگ و فاجعه اجتماعی قلمداد میکنند. ورشکستگی صنایع به ویرانی تمام و کمال دخیار صنعتی و بیش از دو میلیون بیکار منجر شده و انتشار وسیعی را به فلاکت کشانده و به لحاظ مقام و منزلت اجتماعی خود تنزل داده است. البته اقتصاد آلمان شرقی در دراز مدت بعلت "انضمام" بی‌واسطه به اقتصاد مقتدر آلمان غربی از امکانات به مراتب بهتری نسبت به همسایگان شرق خود جهت اقدام در بازار جهانی برخوردار است.

در مقابل، موقعیت اغلب جمهوریهای از این پس مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق در این زمینه بسیار نامطلوب است. صرف نظر از اینکه تبدیل ریشه‌ای اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار، دهها میلیون انسان را به بیکاری و بی‌نوازی سوق خواهد داد، در این جا سنن مالکیت خصوصی سرمایه‌داری و شیوه اقتصادی و مدنیت منطبق بر آن بسیار ضعیف است. بعلت سنت طولانی

بدنبال تحولات بنیادی عظیمی که در کشورهای بلوک شرق صورت گرفت، بسیاری بر این گمانند که سیستم اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار و دولت اجتماعی، که از نقطه نظر اقتصاددانان غرب سنتز میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم است، قادر است برای همه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نقش یک مدل رشد اقتصادی-اجتماعی را ایفا کند. این گمان، توهمی بیش نیست. بعنوان مثال کانیتس یادآور شویم که در صورت انتقال تراکم وسایل نقلیه موتوری ایالات متحده و یاروپای غربی به اتحاد شوروی، کره زمین در هم خواهد شکست.

رشد شتابان جوامع پیشرفته سرمایه‌داری در دوران پس از جنگ جهانی دوم ناشی از شرایط تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی ویژه و بی‌نظیری بوده است. این شرایط در هیچ کجای اروپای شرقی وجود ندارد. کشورهای اروپای شرقی، و به ویژه کشورهای جدیدی که در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پدید خواهند آمد، به کمکهای اقتصادی، و اما و

سرمایه‌گذاری‌های اروپای غربی، بیش از همه جمهوری فدرال آلمان، وابسته‌اند. اما توهمی ساده لوحانه خواهد بود اگر بپنداریم که این کمکها آن کشورها را به سطح جوامع رشد یافته سرمایه‌داری ارتقا خواهد داد.

هر چند که تحول سیستم اقتصادی کشورهای مزبور از اقتصاد با برنامه به اقتصاد بازار با امید فراوانی به پیشرفت و رفاه عجین شده، اما بدون شک فقط تعداد قلیلی از پیشرفت و رفاه برخوردار خواهند شد. آنچه برای تکامل آتی این کشورها اهمیت حیاتی خواهد داشت اراده حکومتها به فرمهای اقتصادی و جایگزینی برنامه‌ریزی دولتی با راه‌حلهای مبتنی بر اقتصاد بازار نیست، بلکه اقدام آنها در تقسیم کار بین المللی و مقام آنها در سلسله مراتب اعضای بازار جهانی سرمایه‌داری خواهد بود. و اغلب کشورهای اروپای شرقی در این میدان رقابت جهانی شانس چندانی نخواهند داشت. از آنجایی که کشورهای مزبور زیر بار بدهیمای کلان و تورم لجام گسیخته، گذار به اقتصاد بازار را طی خواهند کرد، راه ارتقا آنها به سطح جوامع صنعتی مرفه مسدود خواهد ماند. البته چنین نیست که در بازار جهانی، که اکنون زیر سلطه اروپای غربی (آلمان فدرال)، ایالات متحده آمریکا و ژاپن قرار دارد، هیچ نوآمدهای هرگز امکان عرض اندام نداشته باشد. هر از گاهی برخی کشورهای منفرد نظیر هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان و کره جنوبی امکان پیوستن به بازارهای جهانی را می‌یابند اما این بازارها، که روز به روز تنگتر میشوند، قادر به همضم هجوم انبوهی از متقاضیان جدید نمیشوند.

تاریخ نشان داده که شیوه تولید سرمایه‌داری در مرحله تکاملی پایین و باراندمان ضعیف نه فقط قادر به ایجاد سطح بالایی از رفاه نیست بلکه حتی نمیتواند با دستمزدهایی که پارا از حداقل معاش فراتر نهد سازگار باشد. بعلاوه کالاهایی که در بازار جهانی موجود است، با تیمتهایی عرضه میشوند که برای صنایع کشورهای اروپای شرقی هرگونه امکان رقابت را از بین میبرد. از سوی دیگر خرید کالاهای وارداتی امکان انباشت سرمایه را در بازارهای درونی این کشورها از بین میبرد. باین وجود حتی فرض

قدرتمند است و روسیه که از منابع زیرزمینی سرشاری برخوردار است شاید چشم‌انداز ضعیفی داشته باشد. اما بعید است که مثلا تاجیکستان و ترکمنستان نیز قادر به جذب این سرمایه‌ها شوند. این امید که در صورت مجعیا شدن چهارچوبهای سیاسی-حقوقی، سرمایه غربی فوراً به سرمایه‌گذاری اقدام کند، تاکنون برای اغلب کشورهای اروپای شرقی یک سراب بوده است. حتی لهستان، هلیرقم دستمزدهای بسیار ناچیز در این کشور، موفقیتی در این زمینه نداشته است. کشورهای ثروتمند جامعه اروپا شاید حداکثر چکسلاواکی و مجارستان را به باشگاه خود راه دهند اما چنین مینماید که تمایلی به سرو کار داشتن با لهستانها، روسها، رومانیها و دیگران نداشته باشند. واگنر مایک نویسنده اهل رومانی مینویسد "مردم اروپای شرقی ۴۰ سال با امید بسیار چشم به غرب داشته‌اند بدون آنکه درک کنند که به پس گردن اروپای غربی مینگریستند".

باید افزود صنعتی که مجبور به تولید در سطح بین‌المللی است، دیگر در موقعیتی نیست که مجموعه ذخایر اجتماعی نیروی کار را جذب کرده و بکار گیرد. این در همه کشورهای سرمایه‌داری صادق است. حتی اگر سرمایه‌داری غربی در اروپای شرقی هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری کند نیز، رویای بسیاری از مردمان این کشورها مبنی بر حل معضلات اجتماعی متحقق نخواهد شد. زیرا این سرمایه بنابه "ترکیب ارگانیک بالای خود"، یعنی افزایش دائمی سهم سرمایه ثابت در برابر سرمایه متغیر، دیگر قادر نیست به مانند دوران اولین و دومین انقلاب صنعتی، حجم بزرگی از نیروی کار زنده را بکار گیرد. بنابراین این تصور که بیکاری توده‌ای در کشورهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق نقطه‌یک پدیده موقت بوده و با تغییر نظام اقتصادی این کشورها بر طرف خواهد شد، توهمی بیش نیست. برعکس چنین مینماید که بازارهای کار بیش از پیش محدود شده و فقر و بی‌نوازی، تهر و هرج و مرج افزایش یافته و به تشدید بیشتر متازعات ملی منجر خواهد گشت. به این ترتیب گرچه باز بین رفتن نزاع شرق و غرب شکاف نظامی و سیاسی اروپا از بین رفته اما شکاف اجتماعی و اقتصادی این قاره در اشکال سرمایه‌داری بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

از هم اکنون آشکار است که سرمایه‌داری غربی، جوامع "رهایی" یافته شرق اروپا را نه بعنوان سرمایه‌گذار بلکه بعنوان بازارهای فروش کالاهای حاضر و آماده مد نظر قرار داده است. هجوم صادراتی غرب، به ویژه جمهوری فدرال آلمان، به جوامع مزبور به رونق صنعت و کنسرندای تجاری غربی مساعدت کرده است. بعنوان نمونه کنسرندای آلمانی دیر زمانست که جای تجارت خارجی اتحاد شوروی را در اروپای شرقی پر کرده‌اند. هم اکنون ۸۰ درصد کالاهای موجود در فروشگاههای زنجیره‌ای لهستان در آلمان تولید شده‌اند. اگر همه اروپا به یک "منطقه تجارت آزاد" مبدل شود، بی‌شک محصولات جامعه اروپا، به ویژه تولیدات ساخت آلمان، بازارهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق را قبضه کرده و صنایع این کشورها را از بین خواهند برد. شاید تصور شود کشورهای مزبور یک اتحادیه اقتصادی پدید

آورده و از طریق محدودیتهای گمرکی از خود محافظت کنند. اما تجربه نشان داده که کمکهای اقتصادی غرب و اعطای اعتبار به کشورهای به لحاظ اقتصادی ضعیف و وابسته مشروط به آن بوده که این کشورها بازارهای داخلی خود را به روی صادر کنندگان غربی بگشایند. ایالات متحده آمریکا با همین حربه آمریکای مرکزی و جنوبی را به بازار فروش محصولات خود تبدیل کرد.

اقتصاددان فرانسوی، آلین مینک، در کتاب خود تحت عنوان "مبارزه طلبی آلمانی" نشان داده که هجوم صادراتی موفقیتهای آلمانی به کشورهای اروپای شرقی در حله اول محصول ترکیبی از اعطای اعتبارات، کمکهای مالی، سوبسیتها و تسهیلات صادراتی در ازای تعهد کشورهای دریافت کننده این کمکها به گشایش بازار خود در برابر کشور کمک کننده بوده است. و اگر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و "بانک کمکهای اقتصادی به دموکراسیهای نوین اروپای شرقی" همان سیاستی را تعقیب کنند که تاکنون در برابر کشورهای جهان سوم تعقیب کرده‌اند و در ازای اعتبارات و "پروژه‌های توسعه اقتصادی" همان شروط اجباری را قرار دهند که در برابر آن کشورها قرار داده‌اند، آنگاه مجموعه اروپای شرقی به انضمام اغلب کشورهای جدیدی که به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی پدید آمده‌اند نه فقط به بازار فروش و صادر کنندگان ارزان مواد خام کشورهای غربی بلکه علاوه بر آن به بدهکاران بخت برگشته بانک جهانی و بانکهای آلمانی و به طور خلاصه به "حیاط خلوت ایالات متحده اروپا" تبدیل خواهند شد.

زیگی نیف برژینسکی، مشاور جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا، چندی قبل در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی تاتس در باره تنش آتی اتحاد شوروی چنین گفت: "اتحاد جماهیر شوروی یکی از اجزای اصلی جهان سوم است" و یوهان کالوتونگ عضو موسسه پژوهشهای صلح نروژ پیش بینی کرد که بجای نزاع شرق و غرب، نزاع بر سر هژمونی خواهد نشست.

بطور کلی با توجه به فرایندهای موجود میتوان تصویر ذیل را برای روابط آینده اروپا ترسیم کرد: جامعه اروپا در نقش ایالات متحده آمریکا و اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق در نقش آمریکای مرکزی و جنوبی. ارگان سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، پراودا، در باره آینده اتحاد جماهیر شوروی چنین مینویسد: "روشن است که هر مدلی که سیاستمداران برای تکامل آتی پیشنهاد کنند، قلبه بر بران تنها زمانی ممکن است که امور "نه بنام خلق" بلکه با توافق خلق پیش برده شوند. هر مدل مساعدی باید خواسته‌های مردم را مورد توجه قرار داده و عناصر اصلی یک سوسیالیسم واقعی را حفظ کند... در شرایط بازار آزاد تعدادی ثروتمند میشوند، دیگران به حاشیه جامعه رانده خواهند شد. این وضعیت، مسئله عدالت اجتماعی را با شدت تمام در دستور روز قرار خواهد داد. و آنگاه اتوریته‌های سوسیالیسم دمکراتیک تجدید حیات خواهند یافت"

مصاحبه نیوزویک با یلتسین

هفته نامه آمریکایی نیوزویک در آخرین شماره خود مصاحبه‌ای با باریس یلتسین به چاپ رسانده است که ترجمه آن را می‌خوانیم.

تنها یک ساعت پیش از یک دیدار مهم با میخائیل گارباچف بود، و باریس یلتسین روحیه‌ای امیدوار داشت. او هفته گذشته طی یک مصاحبه اختصاصی با نیوزویک در مسکو گفت هلا اطمینان دارد تسلیم سیاسی رئیس‌جمهور شوروی در پیش است. در واقع یلتسین به نحوی مفرط نشان داد که دیگر قدرت را به دست گرفته است. در جریان مصاحبه، رئیس‌جمهور روسیه حتی یک بار نقش فرمانده کل قوا را ایفا کرد و روی یک تکه کاغذ طرحی از چگونگی تجدید سازمان و کنترل نیروهای مسلح شوروی را ترسیم کرد. امیدواری یلتسین، بی‌جا نبود. وی بلافاصله پس از مصاحبه نزد گارباچف رفت و آن دو در مورد شرایط جابجایی توافق کردند: تا پایان سال، دولت شوروی به محدودیت خود پایان خواهد داد، اختیارات آن به روسیه انتقال خواهد یافت و گارباچف استعفا خواهد کرد. تنها موردی که تصمیم‌گیری پیرامون آن در اختیار گارباچف باقی ماند، زمان اعلام کنارگیری او بود. این، بخشی از گفتگوی میان یلتسین و مینارد پارکر، عضو هیات تحریریه نیوزویک، فردکولمن، رئیس دفتر مسکو، کارول بوگرت، خبرنگار، و آندرو تاگورسکی، رئیس دفتر ورواست.

نیوزویک: آیا شما هنگام دیدار با جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا در این هفته، تقاضای ملاقات با پرزیدنت بوش را کردید؟

یلتسین: چنین نیست. همه حقوقدانان ما، به غیر از آنجایی که مستقیماً به گارباچف گزارش می‌دهند، به‌طور مستند ثابت کرده‌اند که این یک اقدام منطبق بر قانون اساسی بود. از این رو، اتحاد شوروی دیگر وجود ندارد.

نیوزویک: در نخستین سفرتان به ایالات متحده، وقتی شمار سبابه برنت سکوکرافت مشاور امنیت ملی و نه با بوش ملاقات کردید، با شما چندان خوب رفتار نشد. آیا شما از این بابت دل‌چرکین آید؟

یلتسین: آنها مطابق موقعیت من با من رفتار کردند؛ من جزئی از اپوزیسیون بودم. آنها معمولاً به فردی از اپوزیسیون بیش از ۲۵ دقیقه وقت نمی‌دهند. بنابراین من از آقای بوش دل‌چرکین نیستم. او به‌عنوان یک سیاستمدار باهوش درست عمل کرد.

نیوزویک: فکر می‌کنید چرا بوش و سکوکرافت کوشیده‌اند تا حتی پس از برست نیز موقعیت آقای گارباچف را تقویت کنند؟

یلتسین: آنها سعی نمی‌کنند موقعیت گارباچف را تقویت کنند. من پس از برست دوبار با پرزیدنت بوش گفتگو کردم، و ما تنها درباره یک موضوع مذاکره کردیم: همه چیز در اینجا باید بدون اعمال تحریریه باشد... امیدوارم در این مورد موفق شویم. اگر مردم خواستی را مطرح کنند، رئیس‌جمهور باید نزد مردم برود، به آنها بگوید که این مضمضه، موقت است، که این آخرین فرصتی است که برای اصلاحات خواهیم داشت و نباید آن را از دست دهیم. باید به مردم گفت که شش یا هفت ماه دیگر، ثبات برقرار خواهد شد و سپس، وضع بهتر می‌شود... اصلاحات از هم اکنون آغاز شده است. من فرماتی را امضا کرده‌ام که به موجب آن از دوم ژانویه کنترل قیمت‌ها را برچیده خواهد شد و قیمت‌ها تابع قوانین بازار آزاد خواهد گشت.

نیوزویک: اگر موفق نشوید، خطر شورش‌های گرسنگی، درگیری‌های قومی یا حتی جنگ داخلی وجود دارد؟

یلتسین: من اگر امیدوار نبودم، هرگز شروع نمی‌کردم. من حتی حاضر نیستم به امکان هدم موفقیت بیاندیشم.

نیوزویک: آیا فکر می‌کنید مردم روسیه بیش از حد روی کمک‌فدایی قرب در این زمستان حساب می‌کنند؟

یلتسین: مردم ما فرور دارند. محتمل‌ترین چیزها را خود ما باید انجام دهیم. باید موقعیت را بهتر و سالم‌تر کنیم. این است چیزی که ما به مردم می‌گوییم: ما به شما آزادی کسب داده‌ایم. شما می‌توانید درآمدتان را خود تعیین کنید. ما قیمت‌ها را آزاد می‌کنیم، بازار آزاد ایجاد می‌کنیم و تجارت خارجی را لیبرالیزه می‌کنیم. اینک برعهده شماست که نشان دهید چند مرده حلاجید. ما همه محدودیت‌های دست‌مزد را برداشته‌ایم، به طوری که شما می‌توانید ده برابر آنچه امروز دارید درآمد داشته باشید، در نظام قبلی، هر چقدر و هر قدر سخت نیز که شما کار میکردید، همواره یک سقف درآمد وجود داشت. مردم انگیزه‌های برای کار نداشتند.

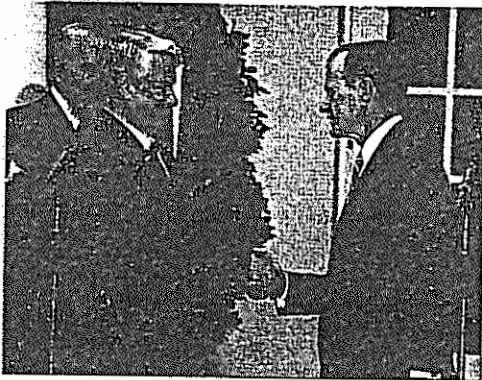
نیوزویک: آیا مردم روسیه و اقتصاد دست به‌ابتکار خواهند زد؟

یلتسین: نظام فرماندهی کمونیستی فرو ریخته است. زنجیرها از روح ابتکار مردم برداشته شده است. مردم، آزادی بیشتری احساس می‌کنند، و این روحیه به تدریج شکل می‌گیرد. به این تماس‌های مردم با تجار غربی را بیافزایید، مدارس جدید مدیریت در کشور را بیافزایید. ما به تدریج روحیه کسب را که در سال ۱۹۱۷ خفه شد، احیا می‌کنیم. فراموش نکنید که در قرن نوزدهم، کارخانه‌داران روس به خاطر تولیداتشان در سراسر جهان شهرت داشتند.

نیوزویک: قرب مایل است به شما کمک‌فدایی کند اما تامل می‌کند زیرا می‌ترسد که یک سیستم توزیع فاسد و فاقد کارایی، نگذارد که این کمک به محتاج‌ترین‌ها برسد. آیا برای ارتش آمریکا در حمل مستقیم کمک‌ها نقش هست؟

یلتسین: سال گذشته ما مسائل بسیاری از این قبیل داشتیم. در برخی موارد، مسئولیت این امر برعهده سازمان‌های توزیع فاسد شوروی بود. ما این سازمان‌ها را منحل کرده‌ایم. سازمان‌های جدید روس که جای آنها را می‌گیرند، هنوز فرصت کافی

برای فاسد شدن نداشته‌اند. بنابراین توزیع امسال بهتر خواهد. ما همچنین سرگرم بهبود بخشیدن به سیستم توزیع ایم. ما می‌خواهیم کمک‌ها، مسکو را



که در آنجا حیف و میل میشده، دور بزنند و در عوض مستقیماً به مقصد بروند. تا جایی که به دخالت ارتش مربوط می‌شود، ما مسئله‌ای نداریم. من در آخرین دیدارم از ایالات متحده با دیک چنی وزیر دفاع آمریکا در این باره مذاکره کردم. دیروز ما مشورت‌هایی با یوگنی شاپو شنیف وزیر دفاع مان داشتیم. او هم مخالفتی ندارد. او گفت: "شروع کنید." وزارتخانه او، یک اسکادران ویژه حمل و نقل برای انتقال مواد غذایی تشکیل داده است. ایالات متحده، فرانسه و آلمان نیز باید چنین کنند.

در ضمن من اخیراً از آلمان دیدار کردم و ما توافق کردیم که ورماخت کمک‌ها را به اینجا بیاورد (ظاهراً در اینجا یلتسین یا نیوزویک دچار اشتباه شده‌اند، زیرا ورماخت نام ارتش هیتلر بود. ارتش فعلی آلمان بودن‌سور نام دارد).

نیوزویک: بنابراین زمستان امسال ما می‌توانیم شاهد تعداد زیادی هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا در حمل مستقیم کمک‌ها به شهرهای روسیه باشیم؟

یلتسین: آری. ما درباره روسیه سخن می‌گوییم. **نیوزویک:** آیا از اینکه ارتش را از گارباچف گرفته‌اید احساس رضایت می‌کنید؟

یلتسین: ما هنوز امور را در دست نگرفته‌ایم، بلکه سرگرم این کاریم. تا دیدار ۲۱ دسامبر در آلمان، حدود ده جمهوری موافقت‌نامه جامعه مشترک‌المنافع را امضا خواهند کرد. آنگاه ما قرارداد ویژه‌ای درباره اتحادیه دفاعی و ایجاد یک فرماندهی مشترک برای نیروهای مسلح استراتژیک امضا خواهیم کرد. در آن مرحله ما کنترل را از گارباچف تحویل خواهیم گرفت.

نیوزویک: آیا راس آن فرماندهی مشترک در برابر شما مسئول خواهد بود؟ آیا انگشت شما بر ماشه هسته‌ای قرار خواهد گرفت؟

یلتسین: فرمانده در برابر شورای روسای جمهور جامعه مشترک‌المنافع پاسخگو خواهد بود. تا آنجا که به دیکه هسته‌ای مربوط است، بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت.

نیوزویک: آیا روسیه جای اتحاد شوروی را به مثابه تنها قدرت هسته‌ای در جامعه مشترک‌المنافع خواهد گرفت؟

یلتسین: من به همدان این موضوع طفره رنتم. جمهوری‌ها کنترل سلاح‌های هسته‌ای را در دست نخواهند داشت. سلاح‌های هسته‌ای تحت کنترل مرکزی خواهند بود.

نیوزویک: آیا این بدان معنی نیست که فرمانده نیروهای استراتژیک، در برابر شما مسئول خواهد بود؟

یلتسین: سؤال بعدی را طرح کنید.

نیوزویک: موافقت‌نامه برست می‌گوید که جامعه مشترک‌المنافع، فرماندهی واحدی را که بدان اشاره کردید خواهد داشت، اما پرزیدنت لئونید کراوچوک رئیس جمهوری اوکراین می‌گوید که فرماندهی نیروهای اوکرائین را برعهده خواهد داشت. آیا این امر در ارتش شکاف ایجاد خواهد کرد؟

یلتسین: همانطور که گفتیم، برای نیروهای استراتژیک فرماندهی واحدی وجود خواهد داشت. نیروهای استراتژیک عبارتند از واحدهایی از نیروی هوایی، نیروی دریایی، موشک‌های استراتژیک هسته‌ای، سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای، تبحس و دفاع ضد هوایی. این نیروها برای همه اعضای جامعه مشترک‌المنافع، یکپارچه خواهد بود.

نیوزویک: برای شما سخت‌ترین لحظه کودتا کدام بود؟

یلتسین: قرار بود ساعت شش بعد از ظهر ۱۹ اوت نیروی ویژه کاگ، ب. موسوم به آلفا، به کاخ سفید حمله کند. آن ۲۵۷ نفر، بهتر از کلاه‌سبزی‌های آمریکایی آموزش دیده‌اند. آن گروه، می‌توانستند همه چیز را تحت کنترل خود بگیرند. همه ما کشته میشدیم، اما آنها از حمله سر باز زدند. آن لحظه، برای من سخت‌ترین لحظه بود.

قبل از آن نیز دستور بر این بود که من را بکشند. اما وضعیت روبه‌تغییر نهاد. من دست به حرکت‌های غیرمنتظره زدم و محل‌های اقامت خود را در مواقع پیش‌بینی نشده ترک کردم. کودتاچیان آماده این امر نبودند. آنها وقتی صبح آن روز مرا نکشتند، اشتباه بزرگی مرتکب شدند.

جداگانه‌ای برای نیروهای اوکرائینی شامل واحدهای متعارف زمینی می‌کشد.

نیوزویک: سؤالی بعدی را طرح کنید. یلتسین: سؤالی بعدی را طرح کنید. نیوزویک: بدیمی است که یک نقش دیگر ارتش، در یک کودتاست. فکر می‌کنید دیگر امکان کودتا وجود دارد؟

یلتسین: من پس از موافقت‌نامه برست، ملاقاتی با همه ژنرال‌ها در اینجا، در مسکو، داشتم. ما به تفاهم متقابل رسیده‌ایم. روسیه، حقوق نظامیان را دو برابر کرده است، نه تنها در روسیه، بلکه در کل ارتش، و همه آن از محل بودجه روسیه تأمین خواهد شد. در نتیجه، جو در ارتش در حال تغییر است. حداقل در میان ژنرال‌ها چیزی که بتوان بدان فعالیت توطئه‌گرانه اطلاق کرد، دیده نمی‌شود. شاپو شنیف و رده‌های بالایی وزارت دفاع قابل اعتمادند. و بالاخره، در میان نظامیان عالی‌رتبه، ما بدجای "باز"های نظامی، روشنفکرانی داریم که وجود آنها باعث می‌شود که نگرانی نداشته باشیم.

من واقعا مشغول می‌شوم و وقتی رهبری اتحاد شوروی سابق، از چیزهایی مثل کودتای نظامی، جنگ داخلی یا شورش‌های گرسنگی سخن به میان می‌آورد و با این کار، مردم را تحریک کرده به پراکندن وحشت دست می‌یازد. امروز ما باید به آرامی و با امیدواری برای اصلاحات تضمین شده بگوئیم، به تدریج نهادهای اتحاد شوروی را منحل کنیم و همه چیز را به دولت روسیه منتقل سازیم. ارکان جای جهانگ‌کننده‌ای وجود نخواهد داشت. این است آن چیزی که به جامعه مشترک‌المنافع جدید، خلعت متفاوتی می‌بخشد. این جامعه، مرکز نخواهد داشت. اگر هماهنگی باشد، میان سران کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع خواهد بود. آنها نوعی گروه کار برای حل مسائل معینی خواهند داشت، همین و بس.

نیوزویک: اگر شما در نیمه شب بیدار شوید، نگرانی‌تان از چیست؟ بزرگترین مسئله شما کدام است؟

یلتسین: من معمولاً بیش از چهار یا پنج ساعت در هر شب نمی‌خوابم، و پنج یا شش بار بیدار می‌شوم. نخستین چیزی که در باره آن می‌اندیشم این است که چگونه گذار از اتحاد سابق به جامعه جدید دولت‌ها را انجام دهیم. همچنین به این می‌اندیشم که چه کسی در صدد اقدام علیه این کار است؟ چه کسی می‌تواند خرابکاری کند و چگونه؟

نیوزویک: به نظر شما چه کسی ممکن است در جامعه جدید خرابکاری کند؟

یلتسین: بقایای ساختار کهنه حزبی، یعنی حزب کمونیست اتحاد شوروی، قادر به این کارند، همچنین برخی از مقامات مرکزی گذشته. هجده وزارتخانه امنیتی منحل شدند. هزاران نفر با این کار طرد گردیدند. اما فکر می‌کنم گارباچف مایل است که این گذار، بصورت صلح‌آمیز انجام شود.

نیوزویک: به نظر می‌رسد شما امیدوارید.

یلتسین: آری. انسان اگر امید نداشته باشد نمی‌تواند کار کند.

نیوزویک: روز نوزدهم اوت، وقتی از آن تانک بالا رفتید، آیا فکر می‌کردید که امکاناتتان برای متوقف کردن کودتا آنقدر خوب باشد؟

یلتسین: همواره معتقد بوده‌ام که اگر شهابه جایی بروید، مثلاً در کارگاهی در یک کارخانه بگردید، و گروهی از کارگران مردوزن را ببینید که با چشمان خندان آنجا ایستاده‌اند، این یعنی مسئله‌ای وجود دارد که شاید من بتوانم حل کنم. در روز نوزدهم اوت، وضعیت اطراف کاخ سفید (ساختمان پارلمان روسیه) مشابه بود. ما باید نزد فرماندهان آن تانک‌ها می‌رفتیم. به آنها گفته بودند که یک کار انجام دهند، و من باید متقاعدشان می‌کردم که نظرشان را عوض کنند. باید از آنها می‌پریدم: "آیا دارید علیه دمکراسی اقدام می‌کنید؟ آیا آمده‌اید تا یلتسین را بکشید؟ دستور من به فرماندهان تانک‌ها این بود که مسکو را ترک کنند و به پادگان برگردند. و آنها شروع به عقب‌نشینی کردند. البته من صد درصد امیدوار نبودم. ممکن بود آنها مرا زیر زنجیر بولدوزرها بیاندازند.

نیوزویک: برای شما سخت‌ترین لحظه کودتا کدام بود؟

یلتسین: قرار بود ساعت شش بعد از ظهر ۱۹ اوت نیروی ویژه کاگ، ب. موسوم به آلفا، به کاخ سفید حمله کند. آن ۲۵۷ نفر، بهتر از کلاه‌سبزی‌های آمریکایی آموزش دیده‌اند. آن گروه، می‌توانستند همه چیز را تحت کنترل خود بگیرند. همه ما کشته میشدیم، اما آنها از حمله سر باز زدند. آن لحظه، برای من سخت‌ترین لحظه بود.

قبل از آن نیز دستور بر این بود که من را بکشند. اما وضعیت روبه‌تغییر نهاد. من دست به حرکت‌های غیرمنتظره زدم و محل‌های اقامت خود را در مواقع پیش‌بینی نشده ترک کردم. کودتاچیان آماده این امر نبودند. آنها وقتی صبح آن روز مرا نکشتند، اشتباه بزرگی مرتکب شدند.

آیا اسرائیل بلندی های جولان را تخلیه خواهد کرد؟

آلمان مشی خود را پیش میبرد!

بقیه از صفحه آخر

گفته می شود سائروس ونس وزیر خارجه دوره زمامداری کارتر، در صدد بررسی شرایط جهت اعزام نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل به کرواسی است. سازمان ملل، اعزام این نیروها را منوط به برقراری قبلی آتش بس کرده است.

سائروس ونس طرحی تمهید کرده است که بموجب آن، صربستان و مونته نگرو هسته اصلی یوگسلاوی جدید را تشکیل خواهند داد. مقدونیه و بوسنی - هرزگوین در یک کنفدراسیون با یوگسلاوی شرکت خواهند کرد، در حالیکه کرواسی و سلوونی تنها پیوندهای سستی با اتحادیه جدید خواهد داشت. این طرح، اگر چه از لحاظ اقتصادی برخی مشکلات را حل خواهد کرد، اما مسئله اختلاف مرزی را لاینحل می گذارد.

آندسته از سیاستمداران اروپایی که با شناسائی سلوونی و کرواسی مخالفت می گویند دیپلماسی به فرصت بیشتری نیاز دارد. گروهی که طرفدار این اقدامند، معتقدند دیپلماسی بدون اعمال فشار به صربستان پیش نمی رود.

دولت آلمان ظاهراً می خواهد با ایفای نقش فعال در بالکان، خاطره دورماندنش از مرصه جنگ خلیج فارس را از ذهن پاک کند. هلموت کول، می خواهد آلمان قدرت اصلی اروپا باشد. در آستانه ماموریت جدید سائروس ونس فرستاده سازمان ملل به یوگسلاوی، نبردها در کرواسی بار دیگر، بیت گرفت. این با گانون جنگ شهر صنعتی کارلوواتس است می کند که چنگنده های ارتش به این شهر حمله کرده اند.

اما مانند بخش شرقی و غربی بیت المقدس، از هنگام الحاق آن در ده سال پیش بخش لایفنگ دولت یهود به حساب آورده می شود. اما این موقعیت حقوقی (که البته یکطرفه اعلام شده است) دارای انگیزه مذهبی، "یهودا و شرون"، یعنی مناطق کرانه غربی، لویت دارد برای مستأجران منازل ارزان، جولان با مراکز اقتصادی ساحل مدیترانه و مرکز اداری اورشلیم، بیش از آن فاصله دارد که اقامت در آن برایشان جالب باشد.

از این رو در ۲۴ سال گذشته علیرغم سرمایه گذاری میلیاردها شه کل (واحد پول اسرائیل)، در جولان تنها ۳۳ آبادی با کمتر از ۱۳ هزار ساکن تأسیس شده است، که از این تعداد تنها ۶ هزار نفر در تعاونی های مختلف زندگی می کنند. باینکه کیبوتص ها به لحاظ سیاسی به سوسیالیست ها گرایش دارند، اکثریت ساکنان آنها طرفدار ادامه اشغال جولان اند. برخی از این دهقانان مسلح، با پس دادن این منطقه، برای بار دوم "مواطن" خود را از دست خواهند داد، زیرا قبلاً در شبه جزیره سینا سکنی گزیده بودند. این شبه جزیره پس از صلح کمپ ادبویید طبق قرار داد به مصر بازگشت.

لناک، از جمله "متضررین سینا" است. این خانم با صراحت نامطلوبی یک پیشتر اول که گمان می کند حتی با اوست، به میهمان خود می گوید که "متعصب" است. شعار او این است: "به اعراب نمی توان اعتماد کرد" و از این رو: بنیاد لگوی زمین در ازای صلح را از خود دور می گرداند. کارمندان کاتسیرین که متعلق به طرف مقابل طیف عقاید است، چنین استدلال می کند: ما باید هر آنچه صلح ایجاد می کند، انجام دهیم. گیلیمان که در گذشته در سینا در نزدیکی العریش زندگی می کرده است، معتقد است اورشلیم در نهایت برای صلح

نشار می دانند. یک مرد جوان بنام کوچک سمیر با اعتماد به نفس در پمپ بنزین مجدداً شمس می گوید: "مادر اینجا تحت اشغال آنها زندگی می کنیم. ما اهل سوریه ایم". اما سلیم شونی در باره این گفته جوان مزبور می گوید: "تظاهر می کند. از ترس تظاهر می کند شونی در کرانه یک دریاچه ایجاد شده در دهانه یک ایتشن صاحب رستوران و تفریح گاهی است که اغلب مشتریان آن، اسرائیلی اند. خود شونی، با به

اسرائیلی در تنها ورودی "جلا" (به معنی شتر، زیرا این شهر بر کرانه کوهی به شکل کوهان واقع بود) که مورد حفاظت است، پی های دیوارهای یک کنیسه را کشف کرده اند که با شکوه بوده است. باستان شناسان در جریان کار خود آثار نبرد را کشف کرده اند. آثاری که گفته جوزفوس فلاویوس را تأیید می کند. اما همانند سراسر "خاک اسرائیل"، یعنی سرزمین اصلی دولت یهود به اغتاه مناطق اشغال شده در

آغاز مذاکرات صلح خاورمیانه، بلندی های جولان را که متعلق به سوریه است و در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد، به یکی از مراکز توجه سیاست منطقه تبدیل کرده است. از این منطقه بعنوان موضوع محتمل عقب نشینی ارضی اسرائیل نام برده می شود. اما هنوز، سیاست رسمی اسرائیل تأکید بر قانونی بودن الحاق جولان به خاک خود است. خبرنگار روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاف گزارش می دهد که جولان تخلیه کرده است که آنرا باندکی تخلیه می خوانیم.

جولان، مانند یک لژ عظیم تاتار در دریاچه گنزارت و دشت شمال جلیلیه مشرف است. اگر هوا صاف باشد، رهگذران و کشاورزان مزارع واقع در دره با چشم غیر مسلح نیز دیده می شوند. اجدانی آسان برای سربازان سوری که تقریباً به مدت دو دهه، از هنگام ۱۹۴۸ تا جنگ شش روزه و برق آسای ۱۹۶۷، آبادی های اسرائیل را که ۷۰ متر پائین تر قرار دارند، تقریباً هر روز زیر آتش می گرفتند.

طبق آمار دقیق دورون یگو مین دامپزشک، در این سالها حدود هزار و پانصد اسرائیلی به قتل رسیدند. بسیاری در کیبوتص ها و موشاواها، یعنی آبادی های تعاونی کشاورزی، شب ها را در پناهگاه ضد هوایی به سر می بردند. و تا امروز در کنار جاده های باریک روستائی، تابلوهائی نصب شده است که

پناهگاه های موقت را نشان می دهد.

تیموگین می گوید: "آن وقایع هرگز نباید تکرار شود".

باید به او حق داد. تیموگین درس دامپزشکی را در اورتریکت هلند خوانده است. اسناد نشان می دهد که خانواده مادری او از چهارده نسل پیش در زفات واقع در سرزمین جلیلیه که از آن در تورات نام برده شده است، زندگی می کند. اما اگر قرار باشد اسرائیلی ها و سوری ها در جریان مذاکرات دوجانبه روزی بالاخره به "اصل مطلب" برسند این سرنوشت فلاحت مرتفع جولان است که آینده حل مسالمت آمیز کل مسئله خاور میانه را رقم خواهد زد. آن روز، قابل تردید است که برای حدود سیصد هزار اسرائیلی از سکنه جولان هنوز جسییدن به

این ۱۶۷۵ کیلومتر مربع ناموار، مقرون به صرفه باشد.

در حالی که این دامپزشک ساکن کاتسیرین، تنها شهر جولان در رسیدن به "صلح واقعی" به نفع سرسختی نشان دادن استدلال می کند، او ددما بار از شهرک ان زیوان به تورات و کتاب چهارم جوزفوس فلاویوس مورخ رومی متوسل می شود. به گفته او، جولان در سال ۱۹۶۷ توسط واحدهای سرآمد اسرائیلی به تصرف در نیامد، بلکه به اسرائیل "بازگشت". امبار که اصلاً اهل مصر است و به هیچ وجه مومن هم

نیست، اکنون رئیس یک پارک طبیعی در جولان است. در این پارک، از جمله "جلا" قرار دارد، شهری که در سال ۱۹۶۷ پیش از میلاد توسط رومی ها ویران شد و به گفته مورخ مذکور همدتا ساکنان یهودی داشت. در واقع نیز باستان شناسان



حساب آوردن نحوه امرار معاش خود، همراه با خانواده اش شهروند اسرائیل شده است. او برای این کار خود چنین دلیل می آورد که دمسراسی اسرائیل را بر دیکتاتوری سوریه ترجیح می دهد. دروزی های اسرائیلی جلیلیه برخلاف هموطنان عرب مسلمان و مسیحی خود از سوی دولت وجود به عنوان شهروندان برابر حقوق با همه آزادی ها و تکالیف، به رسمیت شناخته می شوند. آنها بخش اعظم پلیس مرزی اسرائیل را تشکیل می دهند و به همین نسبت مورد نفرت فلسطینی ها هستند. اگر سخن سلیم شونی، درست باشد، تاکنون حدود ۳۰۰۰ دروزی های اسرائیلی را شناسنامه های اسرائیلی را پذیرفته اند. اما سمیر، شمار "خانان" را ۲۰ تا ۲۵ خانوار تخمین می زند. البته از هیچ یک از این دو منبع نمی توان اطلاع روشنی در این باره دریافت کرد که دروزی های آماده همکاری با

۱۹۶۷، باستان شناسان اسرائیلی به سایر مناطق جولان نیز رفته اند تا در خدمت سیاستمداران توسعه طلب خود، برای الحاق این تلات به اسرائیل در سال ۱۹۸۱ توجیه تاریخی بتراشند. به گفته امبار، آنها ویرانه های بیش از ۲۰ معبد یهودی را حفاری کرده اند. البته این امر در تصویر دلخواه اسرائیلی ها نمی گنجد که در همین حال، پایه های کلیساهای مسیحی بیزانسی و یک صومعه نیز کشف شده است.

صد هزار سوری در جولان می زیستند

واقعیتی است که از هنگام اول بیژانس تا جنگ برق آسای ۱۹۶۷، در جولان همدتا مسلمانان (اعراب، چرکس ها و ترکمن ها) زندگی می کردند. امروز دیگر از مساجد آنها هیچ اثری نیست. از روستاهای آنها نیز اثری دیده نمی شود. تنها در اینجا و آنجا، ویرانه دیواری از سنگ سیاه در میان هلفزار روشن دشتها نشانه های است که زمانی در اینجا احتمالاً یک روستا یا آبادی بوده است. در این فلات قبلاً حدود صد هزار شهروند سوریه زندگی می کردند. از این تعداد، بین ۱۵ تا ۱۸ هزار دروزی مانده اند. بسته بداینکه چه کسی صحبت کنی، شمار آنها متغیر است. آنها هنوز ساکن چهار روستا در پای کوه هرمون اند. وقتی مقامات اورشلیم در اواسط دهه ۸۰ می خواستند به این دروزی ها شناسنامه های اسرائیلی تحویل کنند، در روستاهای آنها بنامهای محدل شمس، مزاده، بقاطه و همین قتیبه یک جنبش مبارزه منعی شکل گرفت که در مقاطعی خطر تبدیل آن به یک شورش تمام عیار، وجود داشت. تا امروز، اهالی این روستاها حضور اسرائیلی را نوعی

پایدار، جولان را نیز پس خواهد داد. سایر اوری، که پدر و مادرش مجار بوده اند و در دره، در کیبوتص ها کوشیریم زندگی می کنند، با تأکید بیشتری سخن می گوید. او در مجموع، ۳۸ سال از عمر ۲۵ ساله خود را در هاگوشیریم به سر برده است. او از این مدت، ششای بسیاری را در پناهگاه ضد هوایی، اما کیبوتص او در تمام این سالها تنها از جانب جولان، بلکه همچنین از مرز لبنان که در جهان نزدیکی قرار دارد، یعنی از "سرزمین الفتق" زیر آتش قرار داشت، او می داند که "ما داریم ریسک می کنیم" اما او می گوید اگر صلح را طرف سوم می مانند آمریکا به لحاظ نظامی تصمیم کند، آماده است که نه تنها جولان، بلکه "خون خود" را هم برای آن بدهد. بجز حال اوری مطمئن است که ساکنان جولان اگر تخلیه آن را منافع "عالی تر" کشور ایجاد کند، بدون آشوب و

خاومت شهرک های خود را ترک خواهند کرد. این مجاری پر حرارت، برای نظر خود دلیل مهمی دارد. حتی امرای ارتش اسرائیل نیز تردید دارند که جولان در عصر تکنولوژی موشکی هنوز آن ارزش استراتژیکی را که یک ربع قرن

فراخوان علیه محاصره کوبا

از صفحه اول

دموکراسی مورد انتقاد قرار گرفته است. اما این انتقاد به دیگران این حق را نمی دهد که حتی نام حقوق بشر کشور را از نظر اقتصادی به اختیار داشته باشند.

تفاوت مناسبت به رژیم کوبا متفاوت است. اما با پیگیری پیوسته تلاش های ما، می توانیم کوبا را به یک کشور دموکراتیک از طریق اعمال گرسنی است.

- اخفا کنندگان الجزایر: بن بلا، استرالیان، ش. دانن برگ، بلژیک، ج. براباندن، ش. مندل، ا. ج. باس، تون، بولیوی، آ. المروخو، بزیل، ال. ش. لولا، ناسیلا، کانا، د. هیب، کلمیا، م. کوریا، ج. جمیری، دیوینک، ر. تراویس، ک. السالوادور، آ. جی. مارتینز، ویلاویوس، فرانسه، ائی. بالیاره، د. برگر، کوستا، گوارا، د. دانیکین، م. برنر، ت. هیل، آ. کریوین، لو. آ. لیتیرت، م. لوی، ج. ف. ماسرو، م. یوسوم، راشرفوس، د. سینگر، آ. آلمان، گ. کوزی، ی. مونت، گ. وال، راف، ه. هائیتی، ش. لسکولر، ایتالیا، الف. کوسوتابل، مایتن، تر. سری، م. مورین، رسیگوبین، مراکش، آ. سرفتی، ک. نیکارگوته، ت. بورخه، آ. کابزاس، س. ف. جامو، ک. یوو، ج. دل برادو، ل. لیستان، ز. پینیو، م. ریترال، س. بریتو، ف. لوکا، ک. ستال، م. دیا، ک. افریقای جنوبی، ان. الکساندر، اسپانیا، ج. م. دیاوالجریام، ک. گارسا، ا. لویراف، ا. اومرال، ک. سری، لاکا، کوناوار، منار، و. نانا، کازا، ب. تابیو، ک. سوین، ی. سیکر، انگلستان، ط. ملی، بیت، بن. ج. کورین، ساس، هال، ب. ج. هیث، فیلس، ج. هیز، یو، م. ک. کیوینگستن، آمریکا، ن. جوسکی، ای. لاندون، م. مکنا، ب. م. سوئی، تاکانو، جزایر، ک. به هشتاد عضو پارلمان اروپا نیز این فراخوان را امضا کردند.

انتخابات الجزایر: پیروزی چشمگیر بنیادگرایان اسلامی

بقیه از صفحه آخر

بنیادگرایان پیروز شده اند، مورد جریان امور، مرحله دوم اعتراض قرار گرفته و شورای انتخاباتی را معطل کنند. دولتی الجزایر سیدگی به این اعتراف اصلی بر سر قدرت در انتخابات را به عهده گرفته است. پیروزی بنیادگرایان در انتخابات الجزایر در میان ناظران، دیپلماتها و روزنامه نگاران در این کشور این سوال کلیدی را مطرح کرده است که الجزایر می تواند یا نتواند با ارتش چه واکنشی نشان خواهد داد؟

بنیادگرایان پیروز شده اند، مورد جریان امور، مرحله دوم اعتراض قرار گرفته و شورای انتخاباتی را معطل کنند. دولتی الجزایر سیدگی به این اعتراف اصلی بر سر قدرت در انتخابات را به عهده گرفته است. پیروزی بنیادگرایان در انتخابات الجزایر در میان ناظران، دیپلماتها و روزنامه نگاران در این کشور این سوال کلیدی را مطرح کرده است که الجزایر می تواند یا نتواند با ارتش چه واکنشی نشان خواهد داد؟

شده آن بدست خواهد آمد. به هر حال هیچ یک از دو طرف از انسانها سخنی به میان نمی آورند - از آنهایی که دو دهه و نیم پیش موطن خود را از دست دادند، و یا آنهایی که اینک بدلیل بسیار، جولان را موطن خود می دانند. همه، از خاک سخن می گویند

پیش داشت، حفظ کرده است. آنها تردید دارند که حفظ جولان، علیرغم منطقی نظامی و به قیمت از دست دادن چیزهای دیگر، به صرفه باشد و دمشق هم به خوبی می داند که احیای حاکمیت سوریه بر این ارتفاعات، تنها به قیمت غیر نظامی کردن کنترل

اتحاد شوروی منحل شد

بقیه از صفحه اول

جامعه‌ای مشترک المنافع را ایجاد کردند. اندکی پس از این اقدام، روسای پنج جمهوری آسیای میانه یعنی کازاخستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در هشتاد مرکز ترکمنستان گرد آمدند و با اینکه سه جمهوری اسلاوی بدون مشورت با آنها جامعه جدید اعلام کرده بودند، حمایت خود را از آن اعلام داشتند. در حالیکه ارمنستان نیز قبل از اجلاس آلماتا پیوستن خود را به جامعه جدید اعلام داشته بود، تا آخرین ساعات پیش از گشایش اجلاس آلماتا هنوز معلوم نبود که آذربایجان به ج. د. م. خواجه پیوست یا نه. ایاز مطلب اوف رئیس جمهوری آذربایجان با حضور در آلماتا پیوستن جمهوری خود را به ج. د. م. رسمیت بخشید. در مورد مولداوی نیز با توجه به گرایش نیرومند به پیوستن به روسیه و زمانی در این جمهوری، عضویت آن در جامعه جدید با شکفتن ناظران مواجه شد. به شیر از سه جمهوری بالتیک که پس از کودتای اوت مسکو مستقل شدند، از جمهوری‌های سابق شوروی تنها گرجستان به ج. د. م. پیوسته است. سویاد گامز خور دیار رئیس جمهوری گرجستان که درگیر جنگ خونین قدرت با اپوزیسیون است، چند روز پس از نشست آلماتا تمایل خود را به عضویت گرجستان در ج. د. م. اعلام کرد و از دولت روسیه درخواست کمک نمود.

در آلماتا روسای ج. د. م. قرار گذاشتند که برای توافق پیرامون جزئیات همکاری‌های خود، روز سی دسامبر بار دیگر گرد هم آیند و در مینسک مرکز بلاروس در باره انحلال نهادهای اتحاد شوروی و ایجاد نهادهای جامعه جدید به مذاکره بپردازند. تا اجلاس مینسک، یگونی شاپوشنیکف وزیر دفاع شوروی که وزیر دفاع شوروی که از او بر مکنس آنچه که با گارباچف عمل شده به آلماتا دعوت شده بود، فرماندهی کل نیروهای مسلح متعارف و اتمی را برعهده گرفت. سه جمهوری اسلاوی و کازاخستان که سلاح‌های اتمی شوروی در خاک آنها مستقر است، مایلند که کماکان فرماندهی مشترکی برای نیروهای مسلح وجود داشته باشد.

شمار گلاهدک‌های اتمی شوروی ۲۷ هزار عدد تخمین زده می‌شود. در اسناد آلماتا فرماندهی واحد نیروهای اتمی به هیچ یک از روسای جمهور سپرده نشد. در این اسناد آمده است اوکراین و بلاروس متعهد می‌شوند که به قرارداد منع ترویج سلاح‌های اتمی بپیوندند. این دو جمهوری اعلام کردند که تا برچیدن کامل سلاح‌های هسته‌ای از قلمرو آنها، رئیس جمهوری روسیه کنترل آنها را در دست خواهد داشت. اسناد آلماتا در مورد موضع کازاخستان در قبال این امر، سکوت کرده است. با این حال کازاخستان مانند سه جمهوری اسلاوی اعلام کرده است که به قرارداد منع سلاح‌های استراتژیک (استارت) خواهد پیوست.

از لحاظ حقوقی، روسیه جانشین شوروی شده است. کرسی شوروی در سازمان ملل به روسیه تعلق می‌گیرد. ج. د. م. توافق کردند که عضویت دائمی در شورای امنیت نیز به روسیه منتقل شود اما تا هنگام تنظیم این گزارش، خبری از موافقت سازمان ملل با این تصمیم نرسیده بود. در آلماتا همچنین توافق شد که هر یازده عضو ج. د. م. تقاضای عضویت در سازمان ملل کنند و سه جمهوری اسلاوی که از بدو تاسیس سازمان ملل، عضو آند، از این تقاضا حمایت به عمل آورند.

توافق‌های آلماتا زمانی قطعیت می‌یابد که پارلمان‌های جمهوری‌ها بر آن مهر تایید بگذارند. طبق این توافق، تابعیت واحد شوروی از میان خواهد رفت و ج. د. م.، مقام ریاست نخواهد داشت. مرکز ج. د. م. مینسک خواهد بود. همه شهر و ندان شوروی به تابعیت یکی از جمهوری‌ها در خواهد آمد اما قرار است تابعیت دوگانه نیز امکان پذیر باشد. در رفت و آمد میان اعضای ج. د. م. به ویزا نیازی نخواهد بود. یازده رئیس جمهوری ج. د. م.، یک شورای عالی هماهنگی تشکیل خواهند داد. مجمع نخست وزیران ج. د. م.، همگام کردن سیاست اقتصادی را برعهده خواهد داشت. به گفته یلتسین، شورای هماهنگی ج. د. م. باقی خواهد ماند. یلتسین، مهمترین نتایج توافق‌ها را استقلال اعضای ج. د. م.، احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی و محو هر گونه قدرت مرکزی دانست.

پس از اجلاس آلماتا اعلام شد که میخائیل گارباچف از این پس حقوق بازنشستگی خود را که مبلغ آن در حدود حقوق ریاست جمهوری اش خواهد بود، دریافت نخواهد کرد. این مبلغ، چهار هزار روبل (تقریباً ۵ دلار) در ماه است. گارباچف، از آمارتومان و ویلای خود به آمارتومان و ویلای کوچکتری نقل مکان خواهد کرد. وی ریاست "بنیاد گارباچف" را برعهده خواهد گرفت که کار آن، انجام تحقیقات سیاست بین‌المللی خواهد بود.

یلتسین جای گارباچف را در مقام فرماندهی عالی زرادخانه هسته‌ای اتحاد شوروی سابق، گرفت. یلتسین در آلماتا گفت مجم این است که سلاح‌های اتمی تحت کنترل واحد "بایک دکمه و نه چهار دکمه" قرار داشته باشد. چهار جمهوری که در آن سلاح‌های اتمی مستقر است، در آلماتا توافق کردند که از پیشدستی در کاربرد سلاح‌های اتمی چشم‌پوشی کنند. قرار است در اول ژوئیه سال ۱۹۹۲ کار نابودی سلاح‌های اتمی در بلاروس، اوکراین و کازاخستان آغاز شود. هنوز معلوم نیست که این سلاح‌ها در خود این جمهوری‌ها نابود خواهد شد یا برای نابودی به روسیه انتقال خواهد یافت نظریات رئیس جمهوری کازاخستان قبلاً به جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا گفته بود که سلاح‌های اتمی که در کازاخستان باقی خواهد ماند.

در آلماتا شش سند به امضا رسید. در این اسناد، نحوه همکاری اعضای ج. د. م. پیش‌بینی شده است. شورای روسای جمهوری، عالیترین نهاد ج. د. م. است. این شورا اختیار داد اسناد مهم جامعه را تصویب کند، آن را تغییر دهد یا تکمیل بخشد. اجلاس این شورا هر سال دو بار تشکیل خواهد شد. در صورت درخواست یکی از اعضا، اجلاس فوق‌العاده فراخوانده میشود. ریاست شورا متناوباً برعهده یکی از اعضا خواهد بود. شورای روسای دولت نیز دو بار در سال تشکیل خواهد شد و احتمالاً در جوار اجلاس روسای جمهور گرد خواهد آمد. این شورا نیز ریاست تناوبی خواهد داشت. از جمله وظایف آن، اتخاذ تصمیم درباره سیاست‌های اصلی ج. د. م. خواهد بود. اجلاس آلماتا به تشریح دقیق وظایف این شورا پرداخت. طبق تصمیم اجلاس، چند کمیته وزارتی به هماهنگی سیاست اعضا خواهد پرداخت و "تصمیمات عملی" اتخاذ خواهد کرد. این کمیته‌ها در سال چهار بار تشکیل خواهد شد و مبادرت خواهند بود از:

- کمیته دفاع که مسئولیت تدوین جزئیات فرماندهی مشترک سلاح‌های اتمی را برعهده خواهد گرفت،
 - کمیته اقتصاد و دارایی،
 - کمیته ترابری و مخابرات،
 - کمیته تامین اجتماعی مردم،
 - کمیته امور داخلی
- همچنین قرار است علاوه بر این کمیته‌ها، یک کمیته دائمی مسئول هماهنگی و همکاری اعضا باشد. در این کمیته نمایندگان همه دولت‌های عضو حضور خواهند داشت. نهادی مشترک ج. د. م. بودجه خود را از حق عضویت همه اعضا تامین خواهد کرد. مقر این نهادها، مختلف بعد تعیین خواهد شد.
- گارباچف در نامه‌ای به اجلاس آلماتا که حکم وصیت نامه سیاسی او را داشت، پیشنهاد کرده بود که برای جامعه جدید، نام "جامعه دولت‌های اروپایی و آسیایی" برگزیده شود. این نام که برای نخستین بار از سوی آندره ساخروف پیشنهاد شده بود، مورد

آیا آرمان اکبر نافر جام است؟

احکام ابدی بر پایه این یک تجربه، فقط از عمده آنهایی برمی‌آید که کمر همت به پا برجا نگه داشتن این ستم و استثمار بیکران بسته‌اند. در تاریخ، گذار از هر صورتبندی اقتصادی - اجتماعی به فرمایشیون متکامل تر یا دهما و صدها تلاش نافر جام و تجربه ناموفق همراه بوده است.

البته مشکل است در شرایطی که عوامل فریبانی مانند یلتسین یک شبه آنچه را چندین نسل با خون و هرق جبین خود ساخته بودند ویران می‌کنند، هنوز کسانی را بسج کرد که حاضر باشند در راه جامعه‌ای عادلانه‌تر نداداری کنند. کاملاً طبیعی و قابل انتظار است که از شکست انقلاب اکبر، این نتیجه گرفته شود که نه تنها انقلاب اکبر، بلکه هر تلاش جمعی برای ریشه کن کردن استثمار، از آغاز محکوم به شکست است.

اما باید به آنهایی که چنین مایوسانه حکم می‌دهند، گفت: به جهان پیرامون خود بنگرید آیا این جهان، همان جهانی است که انقلاب اکبر در آن صورت گرفت؟ آیا اگر قیام بر صلابت اکبر ۱۹۱۷ و سلسله زنجیر قیام‌های عدالت خواهانه به تبع آن نبود، تغییراتی که در چهره جهان، در کاستن از شدت استثمار، در پیدائی و قوام نهادهای دموکراتیک در جهان و در منظورتر کردن جنگ و جنگ افروزان تحقق یافت.

قابل تصور بود؟ آری، انقلاب اکبر شکست خورد. اتحاد شوروی از میان رفت. اما بشریت، بر آنگاه راه تر وصال تر از هفت دهه پیش است، و این آنگاه راه میزان زیادی مدیون آزموون بزرگی است که در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه آغاز شد با همه کاستی‌ها و ضعف‌هایش، با همه آلودگی‌ها و تناقضاتش اکبر، جلوه پر شکوهی از خیزش انسان برای دستیابی به آفاق‌های نوین بود. این تلاش، اکنون متعلق به گذشته است، اما آینده از آن تلاش‌ها و نبردهای نوین خواهد بود.

با انحلال اتحاد شوروی، مهم‌ترین تجربه ملموس و دستاورد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ از میان رفت. از تلاش هفتاد ساله برای برقراری نظامی عادلانه تر از سرمایه‌داری از طریق کسب قدرت سیاسی توسط طبقات کمونیست، دیگر محصول بلاغی باقی نمانده است. بقایای اتحاد شوروی هر یک جداگانه و به احتمال قریب به یقین با مضایب و مشقت‌های فراوان، راه سرمایه‌داری را در پیش می‌گیرند. اکنون برای آنها که نمی‌توانند بپذیرند جهان، همانگونه که هست و با همین چهره زشت که بعدالذاتی‌ها و ستمگری‌ها از آن ساخته‌اند هرگز آخر تاریخ است، این سؤال مطرح است که آیا آرمان اکبر نافر جام است؟ آیا هر تلاشی برای تحقق چیزی متفاوت از سرمایه‌داری، به همین عاقبت دچار خواهد شد؟

پاسخ طرفداران سرمایه‌داری به این سؤال، مثبت است. آنها می‌گویند بشر ذاتاً بدنیال منافع و علائق خودخواهانه است و سرمایه‌داری، قالب اجتماعی مناسب برای تنظیم و میدانی دادن به تلاش هر فرد جهت دستیابی به زندگی بهتر است. اگر بخت با تو یار بود، در این "لاتاری" برنده می‌شوی و اگر نه، چاره‌های جز تسلیم و ورطه نیست.

هر چه مطبوعات و رسانه‌های گروهی طرفدار سرمایه‌داری و نظریه پردازان توجیه گر این نظام ناعادلانه می‌نویسند و می‌گویند، می‌خواهد این را برساند که سرمایه‌داری، تنها الگوی رشد جوامع بشری است، سرمایه‌داری ابدی است، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید مقدس است، سوسیالیسم یک اتوبی بیش نیست. آنها به سوسیالیست‌ها می‌گویند هفتاد سال آزمایش اجتماعی سوسیالیسم جز فلاکت ثمری نداشت، از خیال پردازی‌ها بپتان دست بردارید.

این تبلیغات، هیچ ربطی به تبیین و نتیجه‌گیری علمی از تاریخ ندارد. آری، یک الگوی معین در شرایط زمانی و مکانی معین به شکست انجامید. جعل

ارقامی در باره اعضای جامعه دولتهای مستقل

مساحت مولداوی ۳۳۷۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن ۴۳۴۱۰۰۰ تن و مرکزش کیشینوف است. این جمهوری مواد خام چندانی ندارد و بیشتر به محصولات میوه، سبزیجات، انگور و توتون متکی است.

مساحت قرقیزستان ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن ۴۲۹۱۰۰۰ تن و مرکز آن بیشکک (فرونزه سابق) است. در قرقیزستان، پنبه کاری و دامداری وجود دارد. منابع مهم جیوه و آنتیمون قرقیزستان، ذخایر طبیعی آن محسوب می‌شود.

مساحت ترکمنستان ۴۴۸۱۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن ۳۵۳۴۰۰۰ تن، و مرکز آن هشت آباد است. ترکمنستان ذخایر گاز و نفت دارد و پس از ازبکستان، مهمترین تولید کننده پنبه شوروی بوده است. ترکمنستان، صنایع نساجی و غذایی دارد.

تاجیکستان ۱۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۵۱۱۲۰۰۰ تن جمعیت دارد و پایتخت آن دوشنبه است. این جمهوری از مناطق عقب مانده شوروی است. ذخایران، فلزات غیر آهنی است. در کنار صنایع غذایی - صنایع نساجی تاجیکستان نیز دارای اهمیت است.

در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، یازده جمهوری سابق شوروی جامعه دولت‌های مستقل (ج. د. م.) را بنیاد گذاشتند. ارقام زیر، تصویری از اعضای موسس جامعه را بدست می‌دهد:

روسیه، ۱۷.۷۵۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۴۷۳۸۶۰۰۰ تن جمعیت دارد مرکز آن مسکو است. مساحت روسیه دو برابر مجموع وسعت سایر جمهوری‌هاست. روسیه ذخایر عظیم مواد خام و صنایع پیشرفته‌ای دارد.

اوکراین، ۶۰۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۵۱۸۰۴۰۰۰ جمعیت دارد. پایتخت آن کیف است. اوکراین، انبار قله شوروی بود. این جمهوری، ذخایر بزرگ زیرزمینی مانند ذغال سنگ، نفت و گاز دارد و صنایع پیشرفته بر خوردار است.

مساحت بلاروس ۲۰۷۰۰۰ کیلومتر مربع جمعیت آن ۱۰۲۰۰۰۰۰ نفر و مرکز آن، مینسک است. کشاورزی، بلاروس پیشرفته است اما ذخایر مواد

زیادی ندارد. صنایع آن عمدتاً در رشته نساجی، مواد غذایی و صنایع سبک است. کازاخستان ۲۷۱۷۳۰۰ نیافتداند.

استقبال اجلاس آلماتا قرار نگرفت. همچنین به پیشنهاد گارباچف در مورد یک تابعیت مشترک و قعی گذاشته نشد زیرا جامعه جدید یک دولت نخواهد بود.

در اجلاس سران کشورهای عضو ج. د. م. که روز سی ام دسامبر در مینسک مرکز بلاروس تشکیل شد، اختلافات عمیق میان روسیه و اوکراین بر سیاست‌های اقتصادی و نظامی بر سایر امور سایه افکند. اوکراین در آستانه اجلاس مینسک اعلام کرده بود که از آزاد کردن قیمت‌ها توسط روسیه از دوم ژانویه پیروی نخواهد کرد علاوه بر این اوکراین خواهان در اختیار گرفتن بخشی از ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی شده بود. برخی گزارش‌ها حاکی است باریس یلتسین و لئونید کراوچوک در این اجلاس به مجادله شدید پرداخته‌اند. لئونید کراوچوک گفته است

سیاست اروپا در قبال یوگسلاوی:

آلمان مشی

خود را پیش میبرد!

جامعه اروپا بالاخره تصمیم گرفت در ماه ژانویه ۱۹۹۲ استقلال کرواسی و سلوونی را به رسمیت بشناسد.

حکومت کول، صدر اعظم آلمان، این تصمیم را "پیروزی بزرگی برای سیاست خارجی آلمان" خواند و روزنامه جنجالی "بیلد" نوشت: "گنشر، دست دراز کرد! در آستانه اجلاس وزرای خارجه جامعه اروپا، آلمان اعلام کرده بود که مستقل از تصمیم سایر دولتهای اروپایی، استقلال جمهوریهای متعهد یوگسلاوی را برسمیت خواهد شناخت. بدین ترتیب آلمان شرکای خود را در جامعه اروپا را در برابر عمل انجام شده قرار داد. گرچه سایر اعضای جامعه اروپا از این تک روی اظهار نارضایتی کردند، اما ظاهراً اهرم های اعمال نفوذ آلمان در جامعه اروپا تا آن حد نیرومند است که آنها را قادر به دنباله روی کرد.

با این حال جامعه اروپا برای شناسایی کرواسی و سلوونی شرایطی تعیین کرده است: نخست آنکه این دو جمهوری تا قبل از ۲۳ دسامبر تقاضای خود را برای شناسایی تسلیم کنند، و ثانیاً یک سلسله شرایط را برآورده سازند که عبارتند از: حاکمیت قانون، دموکراسی و حقوق بشر، تامین حقوق اقلیت ها و خدشه ناپذیری مرزهای موجود بر روی کشورهای اروپایی، این مغرر برای خود باز گذاشته اند که در صورت عدم جلب رضایت آنها از نحوه اجرای این شرایط، از شناسایی کرواسی و سلوونی خودداری کنند.

حکومت کول پس از اعلام تصمیم جامعه اروپا گفت: "این تصمیم، اقدام روشنی در قبال رهبری صربستان و نظامیان بلغراد است. روشن است که اگر جامعه اروپا کرواسی را به رسمیت بشناسد، برای کمک نظامی به زائرب در جنگ با ارتش فدرال یوگسلاوی و صرب ها باز خواهد شد.

در حالیکه اکثر کشورهای اروپایی به شناسایی سلوونی تمایل دارند، در مورد کرواسی هنوز تردیدها است. در جامعه اروپا این سوال مطرح است که آیا کرواسی کنترل قلمرو خود را در دست دارد؟ آیا این جمهوری هر آنچه در توان داشته برای حمایت آتش بس های متعدد انجام داده است؟ آیا حقوق صرب ها در کرواسی رعایت می شود؟ تکلیف دموکراسی و حاکمیت قانون چه خواهد شد؟ این واقعیت است که فراسوی توجمان رئیس جمهور ناسیونالیست کرواسی قدرت را در دست خود متمرکز کرده است و مخالفان جنگ بدون دلیل بازداشت شده اند.

نکته پیچیده دیگر در سیاست اروپا در قبال یوگسلاوی این است که پس از شناسایی کرواسی و سلوونی، تکلیف مابقی جمهوریها چه خواهد شد؟ آیا جامعه اروپا اعلام خواهد کرد که دیگر یوگسلاوی وجود ندارد و صربستان را به رسمیت خواهد شناخت؟ با جمهوریهای مقدونیه و بوسنی - هرزگوین چه خواهند کرد؟

پتی در صفحه ۱۰

جنگ داخلی در گرجستان

گامزخوردیا با طرفدارانش در آن سنگر گرفته است، تصرف کردند در جریان این نبرد، مقر حکومت گرجستان و چند ساختمان همجوار آن به آتش کشیده شد. ولی در شامگاه یکشنبه، آن گروه از مخالفان گامزخوردیا که به ساختمان پارلمان رفته کرده بودند توسط مدافعان رئیس جمهور از آنجا بیرون رانده شدند.

پوزیسون گرجستان در بیانیه ای اعلام کرد در صورت استعفا گامزخوردیا، جان او از تعرض مصون خواهد ماند. پوزیسون در تلاش برای تصفیه موقعیت رئیس جمهور، همچنین به وزرای کابینه او اطمینان داده است که در صورت اعلام وفاداری به حکومت پس از گامزخوردیا، در پست های خود باقی خواهند ماند.

گامزخوردیا اعلام کرده است آماده مذاکره با پوزیسون است اما نسبت به تمایل پوزیسون به مذاکره، تردید دارد. وی افزود روحیه مدافعتش خوب است.

انتخابات الجزایر: پیروزی چشمگیر بنیادگرایان اسلامی

قدرت سیاسی در الجزایر تا یکدست ماند. سخنگوی جبهه نجات خواهان انتخابات پیش رس ریاست جمهوری شد. هدف جبهه نجات، برکناری شاذلی بن جدید از ریاست جمهوری و کسب مرکز قدرت در الجزایر است.

رهبری سیاسی جبهه نجات از هنگام تا آرامی های خونین ماه ژوئن الجزایر در زندان به سر می برد. تصمیم جبهه نجات به شرکت در انتخابات ملیرقم زندانی بودن رهبران، پس از کشمکش های فراوان داخلی در این جبهه اتخاذ شد.

سخنگوی جبهه نجات پس از انتخابات تاکید کرد که این جبهه پس از بدست گرفتن قدرت با همه کشورها همکاری خواهد کرد و قصد ندارد انزوا پیشه سازد. سخنگوی جبهه نجات گفت: "مانه امروز و نه فردا نمی توانیم الجزایری را تصور کنیم که در جهان به کلی منزوی باشد".

نحوه سخن گفتن بنیادگرایان از هم اکنون بالحنی است که گوئی قدرت را بدست گرفته اند. کمتر کسی تردید دارد که رای گیری ۱۶ ژانویه اکثریت مطلق را برای بنیادگرایان همراه خواهد داشت.

در واکنش نسبت به پیروزی بنیادگرایان الجزایر، اکثر دولت های غرب ساکت اند. حکومت های تونس، مراکش و سوریه از اظهار نظر پیرامون این امر خودداری کرده اند. تنها جمهوری اسلامی است که با شعیف و شوق زیاد، خبر را منعکس کرده و رسماً به دولت فرانسه، گفته است که سبقت استعماری خود در الجزایر با این کشور روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده ای دارد، در برابر پیروزی

اروپا پس از ماستریخت

شود، قدرت بزرگی با ۳۴۰ میلیون نفر جمعیت ایجاد خواهند کرد که به لحاظ اقتصادی در رده نخست جهان قرار خواهد گرفت و به لحاظ نظامی نیز وزنه مهمی محسوب خواهد شد.

تأثیرات واحد پول مشترک بر زندگی شهروندان اروپایی و نیز در حیات کشورهای عضو اروپا واحد، بسیار پراهمیت و در همانحال هنوز نیز کمتر قابل تصور محسوس می باشد. با این همه در یک نگاه اولیه می توان دریافت که اولاً اقتصاد اروپا از بار صدها ملیونی ناشی از ضرورت تعویض پول در معاملات اقتصادی رهایی خواهد یافت. به طوریکه مثلاً یک دانشمارکی که بخواهد به ایتالیا سفر کند، دیگر مجبور نخواهد شد که در جریان مبادله ارز، بین ۲ تا ۵ درصد پول تعویض شده را از دست بدهد.

اما مهمتر از این نکته، این است که بخش عمده ای از مسئولیت اداره اقتصاد اروپا برعهده یک بانک قدرتمند و مستقل قرار خواهد گرفت. بانک فدرال اروپا طبق الگوی بانک

مرکزی آمریکا و آلمان، مقدار پول در گردش را کنترل خواهد کرد، نرخ بهره ها را تعیین خواهد نمود و به مجازات کشورهایایی خواهد پرداخت که بیش از توان خود هزینه کنند و یا متروک شوند. البته پس از وحدت پولی نیز هنوز دولت های ملی در این باره که چقدر صرف تسلیحات یا صرف خدمات اجتماعی کنند، تصمیم خواهند گرفت. اما در عمل، مقدار کل بودجه هر کشور از سوی بانک مرکزی اروپا تعیین خواهد شد و هیچ کشور اروپایی نخواهد توانست از طریق کاهش ارزش پول خود یا چاپ مقدار بیشتری پول، از مشکلات اقتصادی رهایی یابد.

به دشواری می توان تأثیر مطبوعات ماستریخت بر زندگی روزمره در اروپا را پیش بینی کرد. اگر چه رهبران اروپا به جامعه اروپا اختیار قانون گذاری در مورد جاده های بین المللی یا شبکه های مخابرات، آموزش حرفه ای، مهاجرت و "مسائل فرهنگی" را داده اند، اما در اکثر هر صدها برای کشورهای همزحوظ و تو در نظر گرفته شده است. این محدودیت، بویژه به اصرار بریتانیا در توافق ها گنجانده شد. آیا همین "پاشنه آشیل" باعث نخواهد شد که اعضای جامعه اروپا وقت بیشتری را صرف و تو کردن کنند تا صرف همکاری؟

اختلافات در جامعه اروپا فراوانند. کشورهای فقیرتر جنوب اروپا مایلند بودجه بیشتری صرف توسعه مناطق عقب مانده شود، در حالیکه ثروتمندها به برنامه های پر هزینه حفظ محیط زیست علاقه مندند. بریتانیا با بسیاری از پروژه های مشترک صنعتی مخالف است. هلند و بریتانیا مصرند که جامعه اروپا از ناتو به عنوان سازمان مرکزی دفاعی اروپا نام ببرد. دانمارک نمی خواهد از معیارهای سخت گیرانه بهداشتی و ایمنی خود بسود استانداردهای اروپایی چشم ببندد. فرانسه مایل است که اصولی مانند اشتغال کامل در اسناد اروپا واحد گنجانده شود. به اصرار بریتانیا، از "فدرالیسم" در اسناد ماستریخت نامی برده نشد.

اما با همه این اختلافات، ماستریخت گام نخست در نشان دادن "همیت اروپایی" به جای دوازده هویت ملی بود.

اجلاس سران جامعه اروپا در ماستریخت هلند تصمیم گرفت واحدهای ملی پول کشورهای عضو این جامعه تا پایان دهه ۹۰ جای خود را به "اکو"، واحد پول جامعه اروپا بدهند. اجلاس ماستریخت توافق کرد که بریتانیا مجاز به عدم پیروی از این تصمیم باشد.

از سال ۱۹۵۱ که شش کشور موسس بازار مشترک، "اتحاد زغال سنگ و فولاد" خود را بنیاد گذاشتند، اروپا گشوده است اتحاد اقتصادی را به سطح یکپارچگی سیاسی ارتقا دهد. با این حال، به مدت چهاردهم "جامعه اروپا" در جنبه بحث و کشمکش، پیرامون مسائل در جم. دوم بازرگانی و کشاورزی گرفتار ماند. تا چند سال پیش به نظر می رسید اروپایی ها تا ابد سرگرم مذاکره برای تعیین قیمت کره خواهند بود. اما در ماستریخت سران اروپا قریب ثابت کردند که در کوشش برای تبدیل شدن به قدرت همدهای در کنار (یا در برابر) آمریکا شمالی و ژاپن، از طریق اتحاد، جدی اند.

طبق معمول، توافق ماستریخت بدنال یک سلسله مذاکرات و معاملات طولانی در سطوح پایین تر حاصل شد. طرح واحد پول مشترک، پر از استثناها و تبصره های گوناگون است که بویژه به بریتانیا امکان دهد در آخرین لحظه از "قطار اروپا" به پایین بجدد. اما با این حال، موافقت نامه ماستریخت یک رویداد تاریخی است. کشورهای اروپایی با این قرارداد از بخش مهمی از حاکمیت مستقل خود، یعنی کنترل واحد پول، به سود بانک مرکزی اروپا چشم می پوشند. با تحقق این قرارداد، ابزار موثر واحد پول از دست دولت های ملی خارج و در دست تطفه دولت آتی اروپایی قرار خواهد گرفت.

در ماستریخت همچنین تصمیم به ایجاد یک پلیس اروپایی گرفته شد و طرح اولیه ارتش آتی اروپا تصویب گردید. در یک سلسله هر صدهای جدید برای جامعه اروپا اختیارات جدید ایجاد شده است. این هر صدها طیف وسیعی از مخابرات تا فرهنگ، از حفظ محیط زیست تا حمایت از مصرف کننده را در بر می گیرد.

انگیزه اصلی سران اروپا برای این گام تاریخی، روشن است. دیگر نه از بلوک شرق نشانی مانده است نه از ابر قدرت شرق. تضادی که همه کشورهای سرمایه داری را در برابر سوسیالیسم و اقتصاد متحده می کرد، دیگر وجود ندارد تضادهای آنجا و نیز رقابت ها و صف آرایی هایشان در برابر یکدیگر صریح تر بروز می یابد. از یک لحاظ، جهان به موقعیت پیش از جنگ جهانی اول بازگشته است. اگر چه با تغییراتی عمده در قدرت نظامی و اقتصادی دولت های سرمایه داری. دعوا باز بر سر بازارهای جهانی است، همچنان سهم بیشتر را کسی خواهد برد که از قدرت اقتصادی بیشتری بهره مند باشد و نیز قدرت نظامی نیرومندی در پشت خود احساس کند. اگر تا پیش از جنگ جهانی اول، هر یک از دولت های بزرگ اروپایی به تنهایی یک قدرت بزرگ بود، امروز هر کدام از آنها به تنهایی توان رقابت نظامی با ایالات متحده و رقابت اقتصادی با ژاپن را ندارند. مبتکرین اتحاد اروپا که بویژه در فرانسه و آلمان فعالند، چاره را در یکپارچگی این قاره می دانند. اگر آنها موفق

بنیادگرایان الجزایر خویشتن داری پیشه کرده است. روزنامه لوموند از هم اکنون مستقل از نتیجه رای گیری ۱۶ ژانویه تیرگی روابط فرانسه و الجزایر را پیش بینی می کند. پیروزی بنیادگرایان در حالیکه مسئول روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه گفته است پیروزی جبهه نجات، پادشاه قابل انتظاری برای یک رژیم تک حزبی سی ساله است که خواستجا و نیازهای کشور را برآورده نکرده است. دبیر کل حزب نئوگلیست فرانسه، نتیجه انتخابات الجزایر را یک "شوک الکتریکی شتاب بخش" خوانده و گفته است اکنون باید نیروهای دمکرات در الجزایر متحد شوند یکی از رهبران "جبهه ملی"، حزب راست افراطی فرانسه، از هم اکنون در شیور جنگ با موج مهاجرتی که پیروزی بنیادگرایان به سوی فرانسه سرازیر خواهد کرد، دمیده است.

پتی در صفحه ۱۰

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، نمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" () شش ماهه ۴۵ مارک ۵۲ مارک	
یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

<p>KAR Vol. 3 No. 26 8 Jan 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011</p>	<p>کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>
<p>Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>	<p>آدرس:</p>